



## اولویت‌بندی معیارهای گردشگری اسلامی به منظور ارتقاء عدالت شهری در تهران<sup>۱\*</sup>

رضا مطهر<sup>۲</sup> ID

سیدعبدالهادی دانشپور<sup>۳</sup> ID

محمدصالح شکوهی بیده‌ندی<sup>۴</sup> ID

### چکیده

گردشگری، روند سفر افراد از محل زندگی به مقاصد دیگر با اهداف از پیش تعیین شده است. گردشگر با ورود به یک مقصد، در ابعاد مختلف بر آن محیط تأثیر می‌گذارد. شهر تهران با چالش‌های فراوانی از جمله ضعف عدالتی روبه‌رو است. به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی توسعه شهری تهران با تمام اهداف خود، به ابزاری برای تسهیل اهداف سرمایه‌داری و منافع شخصی تبدیل شده و از ترویج عدالت شهری بازمانده است. هدف پژوهش پیش‌رو، اولویت‌بندی معیارهای گردشگری اسلامی به منظور ارتقاء عدالت شهری در تهران با استفاده از ظرفیت‌های این صنعت می‌باشد. این پژوهش متأثر از جهان‌بینی اسلامی و از نوع توصیفی و تحلیلی است؛ روش آن، استدلال منطقی و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد که به منظور اولویت‌بندی

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵

DOI: 10.22081/jtc.20224.68619.1034

شناسه دیجیتال:

۱. این مقاله برگرفته از بخشی از مطالعات رساله دکتری نویسنده اول، تحت راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در

دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران می‌باشد.

۲. (نویسنده مسئول) پژوهشگر دکتری گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت

ایران. rezamotahar95@gmail.com

۳. استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران. daneshpour@iust.ac.ir

۴. استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.

shokouhi@iust.ac.ir

معیارها از مدل BWM استفاده نموده است. براساس نتایج پژوهش، معیارهای عدالت و برابری، پراکنش خدمات، مراکز مذهبی و فرهنگی به ترتیب مهم‌ترین معیارهای تحقق هدف پژوهش است. با توجه به جایگاه ویژه عدالت در مکتب اسلام و همچنین تأکید بر سیاحت و گردشگری در آموزه‌های اسلامی، باید با ارائه راهکارهای نویدبخش از ظرفیت‌های این صنعت جهت ارتقاء عدالت شهری در تهران، استفاده شود و برنامه‌ریزی‌های لازم در این راستا صورت گیرد..

واژگان کلیدی: گردشگری اسلامی، عدالت شهری، گردشگری، شهر اسلامی، تهران.

## مقدمه

به گواهی تاریخ، انسان از بدو پیدایش، همواره در پی معاش و تأمین نیازهای زندگی و به منظور مبادله کالا و دست‌ساخته‌های خویش با دیگر نیازمندی‌های زندگی، راهی شهرها و کشورهای دیگر می‌شده است. در جهان امروز نیز که جهان ارتباطات نام‌گرفته است، صنعت گردشگری همچنان جایگاهی ویژه در اختیار دارد. کشور ما نیز با داشتن ظرفیت‌های متعدد در این حوزه می‌تواند به بهترین شکل ممکن از آن سود ببرد، اما بهره‌برداری بهینه از این صنعت در کشور اسلامی ایران، باید در چهارچوب فرامین اسلامی و ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی آن باشد. بدون شک نخستین شرط موفقیت در این حوزه آن است که زمینه‌های جذب گردشگر فراهم شود و در چارچوب قوانین مذهبی و آداب و رسوم ملی، این صنعت مهم و سودآور، فعال و پویا گردد.

شهرهای ایران با چالش‌های فراوانی از جمله بی‌عدالتی روبه‌رو هستند. از آن‌جاکه سازمان فضایی شهرها تحت تأثیر کارکردهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه قرار دارد، اگر این ساختارها فاقد آرمان‌هایی مبتنی بر عدالت باشند، تأثیر آن در فضا و سیمای شهری نمود پیدا خواهد کرد. در دهه‌های اخیر، رشد شتابان شهرنشینی، توسعه فیزیکی شهرها و روند روزافزون مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک و میانی به کلان‌شهرها، فقدان ظرفیت‌های اشتغال، مسائل محیط‌زیستی و همچنین نبود دیدگاه سیاست‌گذاری جامع و یکپارچه، موجب شده است آینده توسعه کالبدی شهرها به‌ویژه شهر تهران با چالشی جدی مواجه شود. به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی توسعه شهری تهران با تمام اهداف خود به ابزاری برای تسهیل اهداف سرمایه‌داری و منافع شخصی تبدیل شده است. ضعف عدالت شهری در این شهر منجر به ایجاد یا تشدید مناطق دو قطبی، افزایش استفاده از برخی مناطق، مشکلات محیط‌زیستی، ترافیک، آلودگی هوا، افزایش سروصدا، تغییر کاربری اراضی و در نتیجه آن اغتشاش کالبدی، دسترسی نابرابر به سرمایه‌های شهری و در نهایت باعث ایجاد مناطق متراکم، نامتوازن و مغایر با توسعه پایدار شده است.

شهر تهران با دارا بودن جاذبه‌ها و توان‌های بالقوه محیطی، سرشار از جاذبه‌های مذهبی، طبیعی، فرهنگی-اجتماعی، میراثی و تاریخی می‌باشد. از این رو یکی از قابلیت‌های موردبررسی در برنامه‌ریزی فضایی شهرها، ظرفیت گردشگری شهری است که با شناسایی نقش آن در چارچوب آموزه‌های اسلامی، بستری برای توسعه متوازن شهری فراهم می‌کند. این مسئله، اهمیت توجه به برنامه‌ریزی توسعه شهری با رویکرد توسعه گردشگری اسلامی را آشکار می‌سازد و همچنین ارائه رهیافت‌ها و راهبردها و برنامه‌ریزی واقع‌بینانه را در شهر تهران می‌طلبد. در همین راستا و به منظور استفاده اثربخش از ظرفیت‌های این صنعت، تنظیم روابط و نحوه آرایش فضایی شهرها، کنترل پیامدهای رشد و پیشرفت در مسیر شهر مطلوب اسلامی ضرورت می‌یابد. با وجود افول برنامه‌ریزی توسعه شهری در عمل و انگاره به نفع سرمایه‌داران و به ضرر آحاد شهروندان تهران، باید خواهان بازگشت به ارزش‌های آرمانی اسلام بود. گردشگری اسلامی به‌عنوان یکی از مهمترین فعالیت‌های انسان معاصر، همواره در آموزه‌های دینی (قرآن، روایات، احادیث و...) مورد تأکید بوده است. بنابراین برنامه‌ریزی و توزیع امکانات و خدمات باید مبتنی بر اصل عدالت اجتماعی باشد. از آنجاکه حل بسیاری از مسائل شهر - که در نتیجه، به تحقق و شکل‌گیری عدالت منجر می‌گردد- بر عهده نظام برنامه‌ریزی شهری (طرح‌های توسعه شهری) می‌باشد. توسعه صنعت گردشگری اسلامی، راهبردی مؤثر و اساسی برای کاهش عدم توازن شهری بوده و در راستای دستیابی به عدالت فضایی، ضرورتی اساسی و اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌رود که باید به‌منزله یکی از محورهای طرح‌های فرادست شهری به‌طور همه‌جانبه بررسی و اجرا شود. بنابراین اولویت‌بندی معیارهای گردشگری اسلامی به منظور ارتقاء عدالت در شهر تهران، یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزی این شهر و دیگر شهرهای ایران است که به‌تبع تحولات جهانی و نیز پیرو سیاست‌های کلان کشور و شعار عدالت باید به‌عنوان اصل محوری هر نوع توسعه در نظر گرفته شود.

### ۱. پیشینه تحقیق

ریسینگر و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) نشان دادند که زیرساخت‌های مقصد و خدمات پشتیبانی بیشترین تأثیر را بر میزان رقابت و جذب گردشگری اسلامی در کشور امارات دارد. کیان و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) در پژوهش خود چنین نتیجه گرفته‌اند که مواردی مانند نبود تبلیغات، برندسازی و بازاریابی مناسب و همچنین وجود مشکلات زیرساختی در حوزه گردشگری ایران از جمله چالش‌ها و موانع جدی پیش روی توسعه گردشگری اسلامی به شمار می‌روند. باتور<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) در پژوهش خود به بررسی گردشگری اسلامی و تأثیر آن بر درک گردشگران غیرمسلمان و کیفیت سفر آنان در کشور اسلامی مالزی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد از نظر بیشتر گردشگران، محصولات و خدمات حلال، فرصت خوبی برای یادگیری و تجربه فرهنگ مسلمانان است، ولی برخی محدودیت‌ها کیفیت سفر را کاهش داده است. قداها و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) در مقاله خود چالش‌ها و فرصت‌های توسعه گردشگری اسلامی را در خاورمیانه و با تأکید بر کشورهای اردن و مصر بررسی کرده‌اند که به پیشنهاد تهیه یک طرح عملیاتی بر مبنای استانداردهای حلال در این دو کشور منجر شده است. ساموری و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای، روند کنونی گردشگری اسلامی در چند کشور منتخب آسیایی را بررسی نموده‌اند. پژوهش ایشان تجربیات موفق در زمینه توسعه گردشگری اسلامی در سال‌های اخیر را معرفی می‌کند و ضمن کشف فرصت‌ها و ظرفیت‌های توسعه گردشگری اسلامی به منظور پیوستن کشورهای غیرمسلمان به این جریان، وضعیت موجود چند کشور آسیایی را به صورت تطبیقی در این زمینه بررسی می‌کند. موحمد و شافعی<sup>۶</sup> (۲۰۱۵) در

- 
1. Reisinger et al.
  2. Kian
  3. Battour
  4. Qaddahat et al.
  5. Samori et al.
  6. Shafaei & Mohamed

پژوهش نشان می‌دهد، مالزی به دلیل برخورداری از خدمات و تسهیلات مناسب و همچنین شرایط اسلامی خود به عنوان یک مرکز و مقصد گردشگری اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. چولایی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۵)، در پژوهشی با هدف افزایش ظرفیت‌های گردشگری اسلامی در خلیج آندامان برای کشورهای مسلمان، به دنبال ارائه فرصت و انتخاب‌های متنوع از نظر خدمات و تولیدات گردشگری برای گردشگران کشورهای اسلامی می‌باشند. پژوهش کربونی و همکارانش<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) در کشور تونس به بحث در رابطه با امکان طرح گردشگری اسلامی به‌عنوان گزینه‌ای پایدار برای صنعت گردشگری این کشور و همچنین منطقه پرداخته‌اند. استریپ‌راسرت و همکارانش<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) در پژوهش خود که با هدف درک رفتار گردشگران و نیازهای گردشگری اسلامی در خلیج آندامان تایلند صورت داده‌اند، به این نتیجه دست یافته‌اند که گردشگران مسلمان بیشتر به سفر به همراه اعضای خانواده خود متمایل می‌باشند. پژوهش نورزاهیرا و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) با توجه حجم زیاد مسافرت‌های گردشگران مسلمان، گردشگر اسلامی را حوزه تمرکز اصلی کشور مالزی بیان می‌کنند و هدف آنها ارائه استانداردهای پیشنهادی به دولت مردان است.

در پژوهش‌های داخلی نیز پرده‌پور (۱۳۹۸) در پژوهش خود نشان می‌دهد در میان عوامل توسعه گردشگری اسلامی، عامل صنعت غذا و نوشیدنی نسبت به عوامل دیگر، اهمیت بیشتر و عامل هتل و اقامت‌گاه تأثیر کمتری دارد. حیدری‌چیانه (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان «تحلیلی برچالش‌های توسعه گردشگری شهری با تأکید بر گردشگری اسلامی» نشان می‌دهد عدم وجود شناخت کافی از سوی گردشگران نسبت به جاذبه‌ها و ظرفیت‌های گردشگری اسلامی موجب عدم توسعه این صنعت در شهرهای ایران شده است. حاجی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۵) به این نتیجه دست یافته‌اند که الگوی حلال می‌تواند به توسعه برخی از انواع گردشگری مانند گردشگری مذهبی، فرهنگی و تاریخی منجر شود. پژوهش مشکینی

1. Choolaew et. al.
2. Carboni et al.
3. Sriprasert et al.
4. Norzaherah

و همکاران (۱۳۹۲) نشان می‌دهد کشور ایران بنا به دلایل خاص سیاسی و فرهنگی در پذیرش گردشگر محدودیت‌های را اعمال می‌کند و قوانین کشور از یک ضعف عمیق در رابطه با گردشگری رنج می‌برد، بنابراین تدوین قوانین پویا و در ارتباط با خواست و آسایش گردشگر و البته با توجه به شرایط فرهنگی کشور، امری حیاتی است. یغفوری و همکاران ۱۳۹۱، در پژوهش خود نشان می‌دهند که رونق گردشگری اسلامی می‌تواند ابزاری برای تحقق و ارتقاء همکاری و همگرایی کشورهای اسلامی باشد. شفق و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافته‌اند که گردشگری از نگاه اسلام به منظور بهره‌گیری اقتصادی، اخلاقی، فرهنگی و نیز سلامت و تندرستی انسان‌ها توصیه شده است.

شفق و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافته‌اند که گردشگری از نگاه اسلام به منظور بهره‌گیری اقتصادی، اخلاقی، فرهنگی و نیز سلامت و تندرستی انسان‌ها توصیه شده است.

در حالی که امروزه از ظرفیت‌های صنعت گردشگری به منظور تحقق اهدافی از جمله ارتقاء عدالت استفاده می‌شود، لیکن این موضوع در پژوهش‌های پیشین چندان مورد توجه صاحب‌نظران قرار نگرفته است. عمده پژوهش‌های مرتبط، بر موضوعاتی همچون بازار، اهمیت صنعت گردشگری اسلامی در همبستگی و وحدت مسلمانان، بهره‌مندی از مزایای اقتصادی این صنعت، خدماتی از قبیل غذای حلال، فضای خانواده و غیره مبتنی بوده است و کمتر به مسئله عدالت و نقش و جایگاه گردشگری اسلامی در ارتقاء عدالت (و عدالت شهری به عنوان یکی از اقسام آن) پرداخته شده است.

## ۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر متأثر از فلسفه و جهان‌بینی اسلامی است و از رویکردهای قیاسی و پس‌کاوی بهره می‌گیرد. پژوهش از نوع ترکیبی (کمی-کیفی) است و یک پژوهش توصیفی و تحلیلی به‌شمار می‌آید. هدف پژوهش، اولویت‌بندی معیارهای گردشگری اسلامی به منظور ارتقاء عدالت در شهر تهران است و برای استخراج تعاریف و معیارهای عدالت از منظر جهان‌بینی‌های مختلف، روش‌شناسی استدلال منطقی انتخاب گردید. این روش برای ارزیابی و مقایسه مبانی استدلالی آموزه‌های فلسفی-سیاسی بسیار معتبر

است. در این روش، ضمن حذف الزامات قابل طرح در حاشیه هر مکتب و آموزه‌های آن، بنیان منطقی آن مکتب ارزیابی می‌شود. در ادامه به منظور اولویت‌بندی معیارهای مستخرج گردشگری پایدار و عدالت فضایی با تأکید بر یکدیگر از مدل BWM استفاده شد. یکی از بخش‌های اصلی هر طرح پژوهشی جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات است که با استفاده از تحلیل آنها، در نهایت نتیجه کار مشخص می‌شود. در این پژوهش از شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی برای جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز پژوهش، استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات منابع معتبر خارجی و داخلی بوده است. با استفاده از مطالب و اطلاعات گردآوری شده در بخش مبانی نظری، معیارهای مورد بررسی مشخص شده است و ضمن تأیید روایی آنها توسط کارشناسان، استادان و خبرگان این حوزه، از آنها به منظور نیل به هدف پژوهش استفاده گردیده است. روایی یا اعتبار به شیوه‌های مختلفی سنجیده شده است. از جمله این شیوه‌ها می‌توان به اعتبار صوری اشاره نمود. برای تعیین روایی صوری ابزار، می‌توان از دو روش کیفی و کمی روایی صوری استفاده نمود. در روش کیفی و در آغاز فرآیند تعیین روایی صوری، با کمک متخصصین امر در رشته‌های مرتبط با زمینه شهرسازی و گردشگری استفاده می‌شود؛ به این صورت که ابزار اندازه‌گیری موردنظر، توسط جامعه آماری یعنی کارشناسان و متخصصین صاحب‌نظر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که در صورت تأیید، ابزار مذکور دارای اعتبار صوری خواهد بود. از آنجاکه برای این منظور تعداد حداقل ۷ نفر کارشناس و استاد لازم است، شاخص‌هایی مستخرج از منابع معتبر به کار گرفته شده در این پیمایش به ۱۵ نفر از کارشناسان، نخبگان و استادان مربوط با موضوع و هدف پژوهش که بیشتر در حوزه‌های شهرسازی و گردشگری فعالیت دارند، ارائه شده و در مورد اعتبار آنها نظرخواهی شد که با اصلاحات لازم، مورد استفاده قرار گرفته است. در این پرسشنامه از صاحب‌نظران و متخصصان جامعه آماری خواسته شد که ضمن بررسی تأیید معیارها، آن دسته از معیارهایی که روایی آنها تأیید شده است را از ۱ تا ۱۰ وزن‌دهی نموده و در صورت لزوم، معیار جدید پیشنهاد نمایند. از این‌رو معیارهایی که میانگین وزن نهایی آنها ۵ یا بالاتر از آن بوده، جداگانه جمع‌آوری شده است و در قالب معیارهای نهایی جهت تبیین نقش و جایگاه گردشگری پایدار در تکوین عدالت



فضایی در برنامه‌ریزی توسعه شهری در شهر تهران مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### ۳. مبانی نظری

#### ۳-۱. ماهیت شهر اسلامی و طبقه‌بندی دیدگاه‌های مرتبط با آن

شهر، مفهومی از جنس مکان و محصول یکجانشینی انسان است که در پی تکامل شیوه زیست او و ساختارهای ذهنی‌اش شکل می‌گیرد. شهر اسلامی در زمره اصطلاحات و واژگان مناقشه‌آمیزی است که به تبع ذات میان‌رشته‌ای آن، پژوهشگران بسیاری از نظام‌های علمی گوناگون در بررسی، تبیین و توصیف آن کوشیده‌اند. مفهوم شهر اسلامی، نخست در مطالعه شهرهای شمال آفریقا مورد استفاده قرار گرفت. این تحقیقات سبب شکل‌گیری قالبی کلی از شهر اسلامی شد که آن را به تمام شهرهای موجود در قلمرو حاکمیت اسلام تعمیم می‌دهد. گذشته از واژه‌ها و نام‌های متفاوتی که بر شهر و محیط زندگی مسلمانان نهاده شده است، پرسش‌های بسیاری درباره چیستی، ماهیت و ویژگی‌های چنین شهری مطرح می‌باشد که پژوهشگران تلاش کرده‌اند به آنها پاسخ دهند. مروری انتقادی بر ادبیات این حوزه، نشانگر حجم بالایی از سوءتعبیرها و آشفتگی‌ها درباره این انگاره و مفاهیم، موضوعات و اهداف مرتبط با آن است؛ به گونه‌ای که تعاریف و نظریه‌های متناقض در این خصوص، مفهوم شهر اسلامی را به چالش کشیده است. در ادامه با مروری بر ادبیات جهانی و بررسی پژوهش‌های داخلی و خارجی کوشیده‌ایم ضمن طبقه‌بندی، خلاصه‌ای از محتوای دیدگاه‌های مختلف درباره شهر اسلامی بیان گردد.

جدول ۱: طبقه‌بندی و خلاصه محتوای دیدگاه‌های در باب شهر اسلامی

گروه	صاحب نظران	خلاصه دیدگاه‌ها درباره شهر اسلامی
مخالفان وجود شهر اسلامی	Cahen	عدم تمایز و تفاوت میان شهرهای اسلامی و شهرهای بیزانسی و ایتالیایی.
	Wirth	صفت شرقی را جایگزین اسلامی می‌کند. (سوق؛ تنها نتیجه فرهنگ اسلامی).
	Grunebaum	شهر اسلامی فاقد تشکیلات خاص و مرجع قدرت مدنی.

گروه	صاحب‌نظران	خلاصه دیدگاه‌ها درباره شهر اسلامی
مخالفان وجود شهر اسلامی	Weber	هر مکان، دربرگیرنده اجتماعی از انسان‌ها شهر نیست.
	Morris	ابنیه مذهبی؛ تنها تفاوت شکل شهرهای ارگانیک خاورمیانه با قبل از اسلام.
	Vincent	شهرهای اسلامی فاقد هر گونه ساختار مدنی.
	Woodberry	دیده شدن صفات و ویژگی‌های شهرهایی اسلامی در شهرهای سنتی ماقبل دوره استعماری.
	Sauvaget	همانندی شکل فضایی شهرهای اسلامی با شهرهای یونان و روم.
	Ilbert	شهر اسلامی؛ افتراقی، بدون ساختار و جوش خوردن غیر تخصصی.
	Le Bon	تشکیل شهرهای مسلمانان براساس فرهنگ عرب.
	Lauden	شهر اسلامی، امارتی سلطنتی، زودگذر و مصنوعی.
	King	عدم وجود تفاوت بین شهر اسلامی و شهر غربی.
	Godard	تقلیدی، تکراری بودن، بد و ناموزون بودن بنای اسلامی در مقایسه با پارتون.
	Costello	فاقد ساختار مدنی بودن شهرهای اسلامی یا در ممالک اسلامی.
	Hammond	فرهنگ و تعالیم اسلامی؛ ضد حرکت تمدن.
	Bent	شهر اسلامی؛ غالبا شهری موقتی بوده است.
	خیرآبادی	شهر اسلامی قرون وسطی؛ فاقد نهاد رسمی و شخصیت حقوقی.
کابدينگران	W. Marcais	انسجام شهرهای اسلامی با وجو عناصری چون مسجد جامع و بازار (مجاور آن).
	J. Marcais	تقسیم‌بندی محلات مسکونی براساس قومیت، رعایت سلسله‌مراتب مشاغل بازار در کنار مسجد.
	Van G.	تأکید بر دو کانون مسجد جامع و بازار.
	Hamdan	شهر اسلامی امتداد یافته شرایط پیشین آن شهر.
	Raymond	رعایت حریم فضاهای عمومی و خصوصی، بازار، دروازه، مسجد، فضای حکومتی، خانه‌های درون‌گرا.
	Abu-Lughod	جاری بودن اصول شرعی، تفکیک جنسیتی و استقرار نظام مالکیت اسلام.
	Hourani	عناصر شهر اسلامی: محلات، مدارس مذهبی، بازار مرکزی و قیصریه، کاروانسراها.
کابدينگران	Massignon	تأکید بر مرکزیت بازار در شهرهای اسلامی.
موافقان وجود شهر اسلامی		

خلاصه دیدگاه‌ها درباره شهر اسلامی	صاحب نظران	گروه			
تأکید ویژه بر حضور دژ در شهرهای اسلامی.	Ibn Manzue	موافقان وجود شهر اسلامی			
شناخت شهر اسلامی تنها از طریق عناصر کالبدی اصلی.	Dettman				
عناصری چون مسجدجامع، محلات مسکونی فشرده، فضای حکومتی، دروازه، بازار، سیستم دفاعی.	Alsayyad				
محلات مسکونی مستقل و فشرده، رعایت حریم، کوچه بن‌بست، بازار بزرگ، شبکه دسترسی.	Benevolo				
وجود عناصری چون میدان ورزشی، تئاتر، بازار، مجلس حکام و نمایندگان، حفظ حریم محلات.	Pausanias				
تأکید بر وجود عناصر کالبدی نظیر دوازه در اطراف شهر و همچنین وجود محلات.	Le Tourneau				
ساختار شهرهای اسلامی با مرکزیت مسجد، بازار بزرگ و کمربندی مسکونی.	Ehlers				
شهر اسلامی، مکانی است با مرکزیت مسجدی برای نماز، حمای برای غسل، بازاری برای دادوستد.	Marseille				
شهر اسلامی با عناصری نظیر مسجد، قلعه دفاعی، گورستان، مسجد جمعه.	بسیم حکیم				
عناصری نظیر مسجد جامع، سوق، دژ، محلات مسکونی، شبکه معابر، بازار، قبرستان، حصار.	ریح صعود				
مهم‌ترین عوامل شهر اسلامی: سه عنصر مسجد، بازار، محله.	اشرف				
اساس وجود شهر اسلامی برپایه رابطه بین ایمان اسلامی و زندگی شهری.	Marseille			فلسفه ساخت	فرای کالبد نگران
فلسفه ساخت شهر اسلامی؛ ایمان و زندگی شهر.	Maichon				
شهر اسلامی، جامعه‌ای برای تشهد.	Berque				
شهر اسلامی، نشان‌دهنده تناسب بین دین، کالبد و مظهر تمسک مسلمانان به دین.	Spancer				
دین اسلام اساساً دین شهری است.	Richard Fry				
نقد دین از شهر، ناشی از سامانه ارزش‌های دینی پاک، بهزیستی، سلامت و شکوفایی حیات است.	نوحی				
اسلام تمدنی بنیادگرا، سازنده و شهری است.	Sinaceur				

خلاصه دیدگاه‌ها درباره شهر اسلامی	صاحب نظران	گروه	
		فرآیند کالبد نگران	موانع وجود شهر اسلامی
اسلام، انقلابی در تاریخ تمدن جهان.	Goitein	فرآیند کالبد نگرانی - فرآیند کالبد نگرانی	موانع وجود شهر اسلامی
شهر اسلامی با قابلیت تأثیر و گسترش در پهنه‌های بسیار وسیع در سرتاسر جهان.	Paulo		
ارزش‌های آن فرای کالبد، زمان و مکان و قابل بهره‌برداری در گسترش شهرهای جهانی امروز.	رضایی		
شهرهای اسلامی ویژگی‌ها، مولفه‌ها و کارکردهای خاص و هویت مستقل و متمایز دارند.	موحد		
مکان تجلی بخشیدن به ارزش‌های مسلمانان و در جستجوی روش‌های مناسب زمان و مکان.	سالانقوج		
نقش سازنده و مثبت نهادها و تاسیسات در شهرهای اسلامی.	Ernst	نهادی	
گسترش سیستم فرهنگی (اجتماعی) شهری با ظهور اسلام.	ابن خلدون		
تفاوت شهر و روستای اسلامی در وجود حاکم، سیستم اداری، سیاسی و قضایی.	قدمه بن جعفر		
کنترل و حکومت بر شهرهای اسلامی به وسیله شبکه ارتباطات.	Lapidus		
شهرهای اسلامی دارای هویت مستقل کالبدی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیما و معماری.	عبدالستار عثمان		
ضرورت وجود عناصر شهری نظیر مسجد جامع، حمام و بازار جهت اجرای احکام اسلامی.	ابن خلدون	کالبدی برای اجرای احکام و قوانین	
شهر اسلامی محصول اجرای اصول فقه.	Lombard		
شهر اسلامی؛ جایگاه تبلور عدالت و آرمان‌های سیاسی و اجتماعی دولت اسلامی می‌باشد.	حبیبی		
بی‌نتیجه ماندن هرگونه تلاش بدون در نظر گرفتن محتوا و روح برای شکل شهرهای اسلامی.	ابراهیمی		
عدالت؛ یکی از مهمترین مفاهیم شکل‌دهنده شهر اسلامی.	منصوری		
شهر اسلامی متأثر از: سه عامل اصول فکری، رفتاری و کالبدی.	نقی زاده		
شهر اسلامی تبلور و نتیجه تفکر و شیوه ندگی انسان.	باقری		
شهر اسلامی مکانی جهت تفکر و زندگی مسلمانان.	منتظرالقائم		
شهر اسلامی مظهر تمدن اسلامی و دارای هویت خاص فضایی، فرهنگی، اجتماعی.	خدایی و تقوایی		

خلاصه دیدگاه‌ها درباره شهر اسلامی	صاحب نظران	گروه
ساخت شهر اسلامی بر مبنای عمل به اصول و احکام دین و شریعت.	مشکینی	کابردی برای اجرای احکام و قوانین موافقتان وجود شهر اسلامی
شهر اسلامی؛ نمود مظاهر تمدن اسلامی و هر یک از اجزای آن، یادآور حضور خداوند است.	کلانتری خلیه ل‌آباد	
فقه و شریعت اسلامی؛ به عنوان دستورالعمل ساختمان‌سازی و کلید تفسیر در شهرهای اسلامی.	دانش	
یکی از ارزشمندترین پایه‌های معماری (شهرسازی) اسلامی؛ اصل عدالت‌محوری.	نقره‌کار	
در شهر اسلامی؛ ثابت بودن اصول و منعطف بودن روش‌های پیاده‌سازی این اصول و ارزش‌ها.	نقی‌زاده	
فقه؛ عامل ریشه‌های نظم و یکپارچگی موجود در شهرهای جهان اسلام.	حکیم	
هنگامی می‌توان صفت اسلامی را بر پدیده‌ای نهاد که بر اساس تعالیم اسلامی بنا نهاده شده باشد.	سلطانی	
در شهر اسلامی عامل مسلط دین بوده و بنا شدن تمام عناصر زندگی براساس آموزه‌های اسلامی.	ایازی	
شهر اسلامی؛ براساس مبانی و آموزه‌های مطابقی، تضمینی یا التزامی قرآن و روایات بنا شده باشد.	شکرانی	
از ویژگی‌های شهر اسلامی: خصلت‌های معاضدت، همیاری معنوی، عدالت، نزاهت اخلاقی.	موسوی	
از مظاهر پیشرفته‌ها؛ وضع ظاهری و کیفیت اداره شهرها با الهام از احکام اسلامی است.	جعفری	
شهر اسلامی به تدریج، فضا را برای تحقق و اجرا شدن دین مردم فراهم آورد.	براتی	
رفتارهای فردی و اجتماعی مسلمانان (در شهر) تحت تأثیر آموزه‌های دینی آنهاست.	پوراحمد	
دو مفهوم احکام اسلامی و هنجارهای مرسوم؛ عامل ایجاد اشکال شهری در سرزمین‌های اسلامی.	صالح	

مأخذ: نگارندگان.

### ۲-۳. معیارهای شهر مطلوب اسلامی از دیدگاه قرآن و روایات

امروزه در شهرسازی، الگوهای مختلفی برای شهر مطلوب از سوی نظریه‌پردازان غربی ارائه گشته‌اند که تأثیر زیادی در شکل‌گیری شهرهای جهان داشته‌اند. این اندیشه‌ها به این دلیل که با الگوی ایرانی-اسلامی همخوانی ندارند، سبب ایجاد نوعی سردرگمی میان شهروندان و طراحان شده‌اند. در مطالعات مربوط به شهرهای اسلامی اهمیت اسلام در فرایند شکل‌گیری شهرهای اسلامی دیده می‌شود که می‌توان چنین برداشت کرد که مفهوم شهر اسلامی در ابتدا بیشتر وابسته به ویژگی‌های کالبدی و فیزیکی شهر بوده است که با گذشت زمان، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های دیگر برای آن معرفی شده است. به‌طورکلی تعاریف و دیدگاه‌های «صرفاً کالبدی» نسبت به شهر اسلامی به رویکردهای تاریخ‌نگارانه منتهی می‌شود و تعاریف و دیدگاه‌های «کالبد شهر اسلامی به عنوان محلی برای اجرای احکام و قوانین اسلامی»، بیشتر به تعبیر فقهی و حکمی از شهر می‌انجامد (مطهر، ۱۳۹۸: ۱۲). براین اساس، می‌توان گفت تعبیر اول، مفهوم «شهر اسلامی» را به‌مثابه یک «واقعیت تاریخی» در نظر می‌گیرد و تعریف دوم به «شهرسازی اسلامی» به‌مثابه «الگوی الهی برای شهرسازی» می‌نگرد. از این‌رو امروزه بحث درباره این‌که شهر اسلامی چیست؟ چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی دارد؟ و برنامه‌ها و پروژه‌های شهری و شهرسازی بر چه اساسی ارزیابی گردند، مطلبی اساسی است که پاسخ به آنها مستلزم آن است که آرمان شهر اسلامی را بازشناسایی کنیم و سپس بکوشیم آن را محقق نماییم. این آرمان شهر اسلامی مؤلفه‌ها و ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از دیگر شهر و جوامع متمایز می‌کند. به منظور ورود به این مبحث از طریق روش کتابخانه‌ای و با مورد هدف قرار دادن سه کلمه قرآنی (بلد، مدینه و قریه) در متون اسلامی کوشیده‌ایم نظر و دیدگاه اسلام درباره شهر و شرایط زیست در شهر را مشخص کنیم.

جدول ۲: معیارهای شهر اسلامی از دیدگاه قرآن و احادیث و روایات

ردیف	معیارها	مأخذ	استنادات
۱	محل بودن	Alsayyad ،Van Grunebaum (1987) Kamyar & Spoureyz، (2011) (2019)، نوحی (۱۳۸۸)	(آیات ۱ و ۲ سوره البلد)، (تفسیر نمونه، جلد ۲۷: ۷)
۲	آمن بودن	نقی زاده (۱۳۹۰)، نقره کار و علی الحسابی (۱۳۹۶)، فرجام و همکاران (۱۳۹۰)، پوراحمد و موسوی (۱۳۸۹)، غنی زاده (۱۳۸۵)، ستاری ساربانقلی (۱۳۹۰)	(التین/۳)، (تفسیر نمونه، جلد ۲۷ : ۱۴۱)، (ابراهیم/۳۵)، (بقره/۱۲۶)، (تفسیر نمونه، جلد ۱۰ : ۳۶۶)، (نحل/۱۱۲)، (تفسیر المیزان، جلد ۱۲ : ۵۲۲)
۳	عدالت	Kamyar & Spoureyz (2019)، کلانتری و بخشی زاده (۱۳۹۹)، نقره کار و علی الحسابی (۱۳۹۶)، رحیمی و نقی زاده (۱۳۹۵)، منصوری (۱۳۹۲)، عزیزی و شکوهی (۱۳۹۴)، داداش پور و همکاران (۱۳۹۴)	(آل عمران/۱۷)، (رحمن/۹)، (حدید/۲۵)، (اعراف/۲۹)، (نہج البلاغه)، (نہج الفصاحه، حدیث ۱۵۲ : ۸۹)
۴	نامین روز شهروندان (خودکفایی شهر)	مطهر (۱۳۹۸)، موحد و همکاران (۱۳۹۱)، فرجام و همکاران (۱۳۹۰)، ستاری ساربانقلی (۱۳۹۰)	(نحل/۱۱۲)، (تفسیر نمونه، جلد ۱۲ : ۵۲۲)، (بقره/۱۲۶)، (نہج الفصاحه، حدیث ۲۱۷۰ : ۳۵۴).

ردیف	معیارها	مأخذ	استنادات
۵	کرامت انسانی حفظ حرمت و	Raymond ، Pausanias (2003) (1994)، Nordenfelt (2004) مطهر و همکاران (۱۴۰۰)	(نمل/۹۱)، (تفسیر نمونه، جلد ۱۵: ۵۷۱)، (نهج البلاغه)، (شیخ صدوق، ۱۳۷۱، ۲: ۶۲۵)
۶	هویت	Kamyar & ، Alami (2015) Spoureyzy (2019)، نقره‌کار و علی‌الحسابی (۱۳۹۶)، مطهر و همکاران (۱۴۰۰)، نقی‌زاده (۱۳۹۰)، عبدالستار عثمان (۱۳۷۶)	(نمل/۹۱)، (نهج البلاغه)
۷	خدمات امکانات و وجود	Alsayyad (2011)، نقی‌زاده (۱۳۹۰)، موحد و همکاران (۱۳۹۱)	(فرقان/۴۹)، (تفسیر نمونه، جلد ۵: ۱۱۸)، (بقره/۱۲۶)
۸	آبادانی و توسعه شهر	فرجام و همکاران (۱۳۹۰)، مطهر و همکاران (۱۴۰۰)، پوراحمد و موسوی (۱۳۸۹)	(سبا/۱۵)، (تفسیر نمونه، جلد ۸: ۵۹)، (نهج الفصاحه، حدیث ۶: ۱۰)، (نهج الفصاحه، حدیث ۶۴: ۲۲)
۹	آزادی انسان	پوراحمد و موسوی (۱۳۸۹)، مطهر (۱۳۹۸)	(نساء/۷۵)، (تفسیر نمونه، جلد ۴: ۱۱)
۱۰	بومی و سازگار با مسکن، صالح اقلیم	Kamyar & Spoureyzy (2019)، اخوت (۱۳۹۳)، نقی‌زاده (۱۳۹۰)	(بقره/۲-۳)، (سبا/۱)، (فتح/۳)، (آل عمران/۲)، (نحل/۸۰)، (نهج البلاغه)



ردیف	معیارها	مأخذ	استنادات
۱۱	سبک معماری اسلامی	Marseille, Alsayyad (2011) (2011)، صفایی پور و همکاران، (۱۳۹۴)، نقی زاده (۱۳۹۰)، اخوت (۱۳۹۳)	(نحل/۸۰)، (الذاریات/۲۶)، (کھف/۱۷)، (بحار الانوار، جلد ۷۶: ۱۵۰)
۱۲	زیباسازی فضای عمومی	Raymond (1994)، نقره کار (۱۴۰۰)، مطهر (۱۳۹۸)، سماواتی و دارابی (۱۳۹۳)	(حجر/۱۹)، (نامه ۵۳ نهج البلاغه)
۱۳	بهداشت عمومی	نقی زاده (۱۳۹۰)، غنی زاده (۱۳۹۰)	(سبا/۱۵)
۱۴	ارتباطات، سیاحت و گردشگری	Kian et al, Qaddahat et al (2018) Battour, COMCEC (2016)، (2017) Carbonie et al, & Ismail (2017) (2014)، Henderson (2009)، Stephenson (2014)، پرده پور (۱۳۹۸)، جعفری صمیمی و خبر (۱۳۹۴)، شفقی و همکاران (۱۳۹۱)، رک الدین افتخاری و همکاران (۱۳۸۸)	(حج/۴۶)، (روم/۹ و ۴۲)، (نحل/۳۶)، (آل عمران/۱۳۷)، (فاطر/۴۴)، (عنکبوت/۲۰)، (محمد/۱۰)، (علامه مجلسی، بحار الانوار، جلد ۵۷: ۱۲۳)، (وسایل الشیعه، شیخ حز عاملی، جلد ۸: ۳۳۸)، (بحار الانوار، جلد ۴۱: ۲۱۳)
۱۵	محیط زیست	اخوت (۱۳۹۳)، مطهر (۱۳۹۸)	(نهج الفصاحه، حدیث ۱۳۶۱: ۲۳۹)، (تحف العقول، ص ۳۲۰)

مأخذ: نگارندگان.

### ۳-۳. گردشگری از دیدگاه قرآن

دین مبین اسلام گردشگری را تشویق و ترغیب نموده و معتقد است تمدن و مذهب در هر فضایی که بستر مهاجرت گردشگران با رعایت اصول اخلاقی و قراردادهای بین‌المللی را داشته باشد، محقق می‌شود و محیط، آمادهٔ رشد و تعالی می‌گردد. براین اساس، گردشگری در آیات متعددی آمده است که به تحقیق و تدبیر در آیات قرآن کریم نیاز دارد. طراحی و ساخت شهرهای اسلامی براساس ارزش‌های اسلام، افزون بر متمایز شدن شهرهای اسلامی، به عدالت و در نهایت، تسهیل رفتار و گردش مسلمان و غیرمسلمانان در همهٔ ابعاد زندگی منجر می‌شود. یکی از اصول و ارکان اصلی شهر اسلامی، رکن اجتماعی و انسانی آن است که در شهرسازی و طراحی شهرهای اسلامی با توجه به جایگاه انسان نزد خداوند و در دین اسلام باید مدنظر قرار گیرد و شهرها جایی برای گردش انسان‌ها باشد تا بتوانند در بعدهاي مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به بالندگی برسند. به زعم ملل پیش از اسلام، سیاح و گردشگر به مفاهیمی چون خودتنبیهی، فشار بر خویش برای مسافرت بر زمین و خستگی جسم به عنوان تنبیهی برای دوری از این جهان مربوط می‌شد، اما اسلام تمام مفاهیم منفی از گردشگر و سیاح را منسوخ کرد (Al-Munajjid, 2009: 2). گردشگری شهری از دیدگاه اسلام، پدیده‌ای چندبعدی است که به اشکال مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، زیست محیطی، فرهنگی و حتی فناوری قابل‌گسترش می‌باشد. در این ادامه کوشیده‌ایم به صورت مستدل به جایگاه گردشگری در آیات قرآن پردازیم.

جدول ۳: گردشگری از دیدگاه قرآن

ردیف	استناد	آیه	تلقی و پیام‌ها
۱	۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲	قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ	جهانگردی، گردشگری، سیر و سفر، مطالعهٔ طبیعت و گردش‌های هدفمند، يك وظیفه و ارزش است (گردشگری طبیعی و علمی).

ردیف	استناد	آیه	تلقى و پیام‌ها
		يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.	گردش در طبیعت، می‌تواند انسان را به فکر وادارد (گردشگری طبیعی و علمی).
۲	روم/۴۲	قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّشْرِكِينَ.	جهانگردی و گردشگری هدفمند، مورد سفارش اسلام است (گردشگری سالم). حفظ آثار عبرت‌انگیز برای آیندگان، از طریق گردشگری لازم است (گردشگری میراثی).
۳	نمل/۳۶	وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَّنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ.	گردشگری باید عبرت‌آموز باشد (گردشگری میراثی و تاریخی). قرآن کریم، مردم را به جهانگردی و گردشگری هدفمند (تجربه، عبرت‌گیری و لذت‌جویی) دعوت کرده است (گردشگری تاریخی و تفریحی).
۴	انعام/۱۱	قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ.	گردش و سفرهای علمی و عبرت‌آور، ستوده و نیکوست (گردشگری علمی). اگر به چیزی شك دارید، تاریخ‌شان را بخوانید و با گردشگری و سفر، آثارشان را ببینید و عبرت بگیرید (گردشگری تاریخی، میراثی، فرهنگی و علمی).

ردیف	استناد	آیه	تلقی و پیام‌ها
۵	آل عمران/ ۱۳۷	قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ.	تحقیق در تحولات تاریخ، از طریق گردشگری لازم است (گردشگری تاریخی و علمی). گردشگری هدفدار و بازدید توأم با اندیشه، بهترین کلاس برای تربیت انسان‌هاست (گردشگری تفریحی، علمی و گروهی).
۶	یوسف/ ۱۰۹	وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَدَأِ الْأَخْرَجَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَ فَلَا تَعْقِلُونَ.	امکان تبلیغ و تلاش، برای مرد با گردشگری بیشتر است (گردشگری اقتصادی). مشاهده از کارآمدترین شیوه‌های دریافت حقیقت است (گردشگری فرهنگی). گردشگری در زمین و آگاهی از تاریخ و درس عبرت گرفتن، برای هدایت و تربیت بسیار کارگشااست (گردشگری فرهنگی، مذهبی، تاریخی و میراثی). حفظ آثار باستانی برای عبرت و بازدید آیندگان لازم است (گردشگری فرهنگی).
۷	روم/ ۹	أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضِ وَعَمَّوْهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَّوْهَا وَ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.	مطالعه تاریخ، گردشگری، سیر و سفر و استفاده از تجربه دیگران، از راه‌های شناخت، و ترك آن مورد توبیخ است (گردشگری تاریخی، میراثی، علمی و فرهنگی). سیر و سفر باید عامل توجه و به دور از غفلت باشد (گردشگری آگاهانه).

ردیف	استناد	آیه	تلقى و پیام‌ها
۷	روم/۹	<p>أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضِ وَعَمَّروها أَكْثَرَ مِمَّا عَمَّروها وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.</p>	<p>مطالعه تاریخ، گردشگری، سیر و سفر و استفاده از تجربه دیگران، از راه‌های شناخت، و ترك آن مورد توییح است (گردشگری تاریخی، میراثی، علمی و فرهنگی). سیر و سفر باید عامل توجّه و به دور از غفلت باشد (گردشگری آگاهانه).</p>
۸	فاطر/۴۴	<p>أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا.</p>	<p>طرفدار گردشگری برای کسب تجربه و لذت جویی است (گردشگری علمی و تفریحی). سیر و سفر باید جهت‌دار باشد (گردشگری آگاهانه). بازدید از آثار باستانی تمدن‌ها، مورد سفارش است (گردشگری فرهنگی و میراثی).</p>
۹	عافر/۲۱	<p>أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ آثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَ مَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ.</p>	<p>سیر و سفر و گردشگری باید هدف‌دار باشد (گردشگری آگاهانه). تجربه و علم، به سیر و سفر و گردشگری نیاز دارد (گردشگری علمی از جمله پزشکی). حفظ آثار باستانی، برای عبرت آیندگان لازم است (گردشگری فرهنگی و میراثی). از تاریخ عبرت بگیریم (گردشگری تاریخی).</p>

ردیف	استناد	آیه	تلقی و پیام‌ها
۱۰	محمد/۱۰	أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا.	افراد غافل که از هلاکت گذشتگان عبرت نمی‌گیرند، قابل توبیخ و سرزنش هستند (لزوم و اهمیت گردشگری). گردشگری و جهانگردی باید هدف‌دار و برای بررسی تاریخ ملت‌ها و عامل عبرت و رشد باشد (ابعاد مختلف گردشگری و مزایای آن). جلوه‌های رفاه مهم نیست، پایان و عاقبت کار مهم است (گردشگری تاریخی).
۱۱	نور/۶۱	أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُوا لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارَ وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ.	سفرهای علمی و تجربی، کاری ارزشمند و راهی مطلوب برای گسترش شناخت و دانش است (گردشگری علمی، تفریحی، تاریخی و فرهنگی).

مأخذ: نگارندگان.

### ۳-۴. مفاهیم و تفاسیر عدالت

واژه عدالت پیش از آنکه مسبوق به اندیشه جغرافیایی باشد و اندیشمندان و متفکران جغرافیای انسانی آن را ایجاد کرده باشند، در فلسفه و اندیشه سیاسی ریشه دارد (جعفری، ۱۳۹۸: ۴۶). مفهوم عدالت از مفاهیم پیچیده حوزه فلسفه و علوم انسانی است. این مفهوم در مکاتب مختلف اجتماعی، سیاسی و فلسفی تعبیر متفاوتی یافته است که گاه حتی در تضاد با یکدیگر هستند (طیبیان، شکوهی و ارباب، ۱۳۸۹: ۱۱۲). بررسی ادبیات و نوشته‌ها و همچنین مرور نظریات مختلف درباره عدالت نشان می‌دهد متفکران و

اندیشمندان در طول تاریخ تعاریف متعدد و مختلفی را ارائه نموده‌اند که هر یک، براساس جهان‌بینی صاحب‌نظران، ویژگی‌هایی را برای این مفهوم برمی‌شمارند. جایگاه عدالت در اندیشه و فلسفه سیاسی به‌گونه‌ای بوده است که اغلب اندیشمندان و خردورزان از دوران یونان باستان بر تبیین و تفهیم آن همت گمارده‌اند. مفهوم عدالت برای نخستین بار توسط فیلسوفان یونان باستان مورد بررسی عقلی و استدلالی قرار گرفت که از آن به رعایت حدود در همه موارد و یا مجموع محسنات تعبیر کرده‌اند. عدل در لغت با معانی متعددی از جمله مساوات و برابری، راستی و راست ایستادن، میانه‌روی، رعایت حد وسط، حکم به حق، پیمان‌ه و مانند آن به‌کار رفته است که وجه مشترک این معانی، برابری و میانه‌روی است.

پیشینه عدالت به سابقه حیات بشری بازمی‌گردد. عدالت یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در علوم انسانی و به‌ویژه در علم سیاست است. این مفهوم در همه مکاتب اعم از الهی و غیرالهی (انسانی) مورد توجه بوده است؛ زیرا مطلوب ذاتی همه انسان‌ها می‌باشد و کمتر متفکر و دانشمندی را می‌توان یافت که دغدغه آن را نداشته باشد. در واقع، برقراری عدالت، همواره یکی از دغدغه‌ها و آرزوهای بشری بوده است که یکی از دلایل اصلی این اهمیت، نقش تعیین‌کننده و غیرقابل انکار آن در اجتماع می‌باشد. از این رو می‌توان گفت مبحث عدالت در مرکز منظومه فکری اندیشمندان سیاسی قرار گرفته است. بسیاری از دانشمندان و پیشگامان عصر روشنگری در قرون هجدهم و نوزدهم میلادی نیز کوشیده‌اند با تبیین این مفهوم، موضع جایگاه تفکر خود را با اندیشه عدالت مشخص کنند و در عین حال مقیاس و معیاری برای سنجش عدالت‌پذیری یا گسترش عدالت از منظر اندیشه خود در اختیار منتقدان قرار دهند.

برای عدالت تعاریف متفاوتی بیان شده است. تنوع مفهوم عدالت، نشان‌دهنده وجود تفاوت و حتی تضاد در اهداف پیش‌روی برنامه‌ریزان می‌باشد (داداش‌پور و الوندی‌پور، 1395: ۷). مراد از عدالت نوعی سلوک مساوی با افراد است (Kunzmann, 2007: 101) که در آن به هر کس به اندازه استحقاق یا شایستگی و توانایی‌اش چیزی داده شود. در برخی از نظام‌های کهن، مفهوم و ماهیت عدالت بیشتر برای توجیه هرگونه نابرابری کاستی‌ها و فرصت‌ها به‌کار گرفته شده است. در چنین تفکری انسان‌ها در ذات با یکدیگر نابرابر

هستند و گروهی بر دیگری برتری و رجحان دارند؛ در نتیجه، لازمه تحقق عدالت این است که برای مردم هر طبقه، حقوق برابر قائل شد (لیدمان، ۱۳۸۶: ۴۶). برتراند راسل، در تعریف عدالت می‌گوید: «عدالت عبارت از هر چیزی است که اکثریت مردم آن را عادلانه بدانند. یا عبارت از نظامی است که آن چه را که به تصدیق عموم، زمینه‌هایی برای نارضایتی مردم فراهم می‌کند به حداقل برساند» (بختیاری، ۱۳۸۲: ۷۹). ارسطو معتقد است: «عدالت، امری است که انسان عادل فکر می‌کند» (حکیمی، ۱۳۷۶: ۴۲). به نظر هایک، هم در رفتارها و هم در ذهن انسان سلسله‌مراتبی از قواعد حاکم است که اساسی‌ترین آنها در حوزه فرا آگاهی؛ یعنی در ورای توانایی ادراک‌ها قرار دارند و رشد عقل انسانی جزئی از رشد تمدن است؛ از این‌رو ذهن هیچ‌گاه نمی‌تواند پیشرفت آینده خود را پیش‌بینی کند. جان لاک معتقد است عدالت در مراقبت و رعایت حقوق افراد است. مفهوم عدالت پیش از رنسانس، نزد فیلسوفان یونانی امری واقعی و حقیقی در نظر گرفته می‌شد که در صورت تحقق به خیر و صلاح منجر می‌گردد و در واقع عدالت را به معنای در نظر گرفتن ویژگی‌های افراد می‌دانستند. تحولات فکری پس از رنسانس تمام باورهای فکری در مورد جهان خلقت را مردود کرد. تعاریف غرب از عدالت بیشتر پس از رنسانس و با تغییرات همه‌جانبه در نگرش به جهان و انسان شکل گرفت. در اسلام نیز عدل یکی از اصول اعتقادات مسلمانان است که اعتقاد به آن از روی تعقل و آزاداندیشی شکل می‌گیرد؛ زیرا اصول اعتقادات، تقلیدی نیست و هر مسلمانی باید این اصول را با تحقیق بپذیرد. در اندیشه یک مسلمان، خدا ظلم نمی‌کند چون نیازی به ظلم کردن ندارد. ریشه ظلم یا جهل یا عجز یا رذایل اخلاقی است و خدا منشاء همه کمالات می‌باشد و هیچ‌گونه نقصی در او راه ندارد، بنابراین ظلم نمی‌کند. با این بیان روشن می‌شود پذیرش عدالت خداوند عین عقلانیت است نه مخالف با آن.

به‌طور کلی با مروری بر مفهوم و ماهیت عدالت به‌نظر می‌رسد که عدالت و پیشرفت دو مقوله به‌هم‌پیوسته و جداناپذیر هستند. تا در جامعه‌ای عدالت برقرار نگردد، پیشرفت تحقق نخواهد یافت. عدالت خواهی، نیاز فطری و آرمان مشترک انسان‌ها در طول تاریخ بوده است. به دلیل پیچیدگی و گستردگی



مفهوم عدالت، هریک از دانشمندان در اعصار مختلف کوشیده‌اند این مفهوم را با استفاده از دیدگاه‌های گوناگون تبیین کنند. حاصل این تلاش‌ها، مجموعه‌ای عظیم از نظریات مختلف و متنوع در این حوزه است. عدم شناخت درست مفهوم عدالت، ما را از اجرای این آرمان بزرگ و همیشگی بشر باز می‌دارد؛ زیرا تا مفهومی شناخته نشود، برنامه‌ریزی برای تحقق آن و اساساً اندیشیدن درباره آن بی‌معنا خواهد بود. در ادامه کوشیده‌ایم جایگاه و مفهوم عدالت به طور تفصیلی در اعصار و اندیشه‌های گوناگون و نیز مکاتب مختلف بشری و مکتب اسلام بررسی گردد.

#### ۴. جایگاه عدالت از دیدگاه صاحب‌نظران غربی، شرقی و مسلمان

اندیشه عدالت از مدت‌ها قبل، ذهن بسیاری از پژوهشگران، فیلسوفان، روان‌شناسان، جغرافی‌دانان و دیگر صاحب‌نظران حوزه‌های دیگر را به خود مشغول نموده و تاکنون نظریات متفاوتی درباره آن ارائه شده است. دیدگاه افراد نسبت به مفهوم عدالت، بسته به پایگاه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره آنها متفاوت است؛ به طوری که درک یک انسان معلول با یک انسان با استعداد از مفهوم عدالت متفاوت خواهد بود. همچنین درک فردی از طبقات پایین اجتماعی نسبت به فردی متمول و دارای پایگاه اقتصادی بالا، فردی مسلمان نسبت به فردی غیرمسلمان، شهروند ساکن در منطقه مرفه‌نشین پایتخت نسبت به فرد ساکن در یک روستای دورافتاده و غیره متفاوت خواهد بود و هر یک دیدگاه‌های متفاوتی از مفهوم عدالت دارند. بنابراین می‌توان ادعا کرد عدالت به زمان و مکان و نوع روابط نظامات و ساختارهای اجتماعی مقید است. اما آنچه در بحث عدالت مشترک می‌باشد، این است که عدالت، برابری و برابرخواهی، دل‌مشغولی بیشتر جوامع و دولت‌های اسلامی، سوسیالیستی، سوسیال‌دموکراسی و لیبرالیستی و غیره بوده است و هر یک در راستای تحقق و پیاده کردن نوعی برابری، مقداری از منابع و انرژی خود را سرمایه‌گذاری کرده‌اند (جعفری‌نیا، ۱۳۹۸: ۲۹۷) و به ساماندهی اجتماعی سازگار با آن پرداخته‌اند.

کثرت اهتمام اندیشمندان چند سده اخیر به‌ویژه در جهان غرب به ساخت نظریات جدید عدالت با توجه به پیچیدگی و گستردگی برداشت‌ها از مفهوم آن قابل توجه بوده است. هریک از این اندیشمندان

کوشیده‌اند این مفهوم را با استفاده از دیدگاه‌های گوناگون تبیین کنند. البته در میان نظریات آنها تفاوت‌ها و حتی تناقض‌ها و تعارض‌هایی وجود دارد. حاصل این تلاش‌ها، مجموعه‌ای عظیم از نظریات مختلف و متنوع در این حوزه است. عدم شناخت درست از مفهوم عدالت، ما را از اجرای این آرمان بزرگ و همیشگی بشر باز می‌دارد؛ زیرا تا مفهومی شناخته نشود، برنامه‌ریزی برای تحقق آن و اساساً اندیشیدن درباره آن بی‌معنا خواهد بود. در این بخش از پژوهش، می‌کوشیم با بررسی مفهوم عدالت در مکاتب مختلف جغرافیایی و همچنین اسلام و با مقایسه تطبیقی میان دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها، به معنایی از عدالت با تأکید بر عدالت فضایی واقعی دست یابیم. بررسی پژوهش‌های جهانی نشان می‌دهد دو مفهوم متفاوت از عدالت این بحث را متقابل کرده‌اند. در جدول ذیل دیدگاه برخی از صاحب‌نظران و متفکران به نمایندگی از مکاتب مختلف در اعصار و جغرافیای گوناگون در زمینه چستی، مفهوم و جایگاه عدالت به طور خلاصه بیان شده است. البته به جز تعاریف این مفهوم از دیدگاه چند صاحب‌نظر، نظریات و تعاریف دیگری نیز درباره عدالت مطرح شده است که شاید از برخی جهات با برخی از این نظریات هم‌پوشانی داشته باشد و در بعضی زمینه‌ها نیز متفاوت باشد.

جدول ۴: دیدگاه صاحب‌نظران غربی، شرقی و مسلمان در زمینه چستی و مفهوم عدالت

خلاصه دیدگاه	صاحب‌نظران	رویکرد
فیثاغورث متأثر از زرتشت و پارسیان از قانون الهی برتری به نام عدالت سخن می‌گوید که قوانین بشری باید براساس آن شکل گیرند. در نگرش وی افراد (انسان‌ها) مطابق استعداد طبیعی‌شان، درجات مختلفی می‌یابند و حکمت و قدرت و ثروت بیشتر در اختیار کسانی قرار می‌گیرد که قابلیت و توانایی آنها را دارند و می‌توانند آنها را در جهت مصالح عالیه خویش و جامعه به کار گیرند. به طورکلی فیثاغورث عدالت را در نظر گرفتن شایستگی‌های فردی و استعداد طبیعی افراد می‌داند.	فیثاغورث	کلاسیک

خلاصه دیدگاه	صاحب نظران	رویکرد
<p>سقراط برخلاف سوفسطائیان که اساس متافیزیکی اخلاق را سست کرده بودند، در پی آن بود که مبانی اخلاق و عدالت را از نو براساس طبیعت استوار کند. به بیان دیگر، وی به امکان وجود اخلاق و عدالت بدون اعتقاد به ماوراطبیعه می‌نمیشد. به نظر سقراط خیر و فضیلت به این دلیل خوب نیست که خدایان آن را تعیین کرده‌اند، بلکه ذاتاً و فی‌نفسه خوب است، بنابراین خدایان آن را پسندیده و توصیه کرده‌اند. مثال خیر و فضیلت به نظر سقراط از مذهب مستقل بوده و در طبیعت نهفته است و جوهر آن را سودمندی تشکیل می‌دهد.</p>	سقراط	کلاسیکی
<p>سرآغاز گفتار افلاطون در کتاب جمهوریت، مسئله عدل است. عدالت در نظر وی نوعی استعداد و تمایل درونی در انسان است که جلو احساسات و انگیزه‌های شدید وی را که طالب منافع خصوصی هستند، می‌گیرد و بشر را از انجام کارهایی که ظاهراً به نفعش تمام می‌شوند، ولی مورد نهی وجدانش هستند باز می‌دارد. از عقاید بنیانی افلاطون یکی این است که عدالت جزیی از فضایل انسانی است. به‌طورکلی افلاطون عدالت را مکنون در فطرت هر انسان و ملائک خوبی قانون را هماهنگی با آن می‌دانست. چهار صفت اساسی را که من حیث المجموع سازنده فضیلت و علو انسانی هستند به شرح زیر نام می‌برد: خرد، شجاعت، رعایت اعتدال، عدالت.</p>	افلاطون	

خلاصه دیدگاه	صاحب نظران	رویکرد
<p>ارسطو سعادت را که خیر نهایی انسان‌هاست به «فعالیت نفس در انطباق با فضیلت» تعریف می‌کند و عدالت را رأس فضایی می‌داند که تحقق بخش سعادت بشر است. از دیدگاه وی، عدالت، فضیلت کامل است؛ چون عدل ورزیدن مستلزم به‌کار بردن همه فضایل است و از این جهت نیز فضیلت کامل است که آدمی آن را نه تنها در خویشتن، بلکه در ارتباطش با دیگران نیز تحقق می‌بخشد. ارسطو عدالت را به حد وسط میان افراط و تفریط تفسیر می‌کند.</p>	ارسطو	کلاسیک
<p>سیسرون قانون طبیعی را به‌عنوان قانون اساسی و بنیادین جهان مطرح کرد. از دیدگاه او، عدالت این است که مطابق با حقوق طبیعی عمل شود و بر همین اساس، باید مقررات حکومت‌ها و اعمال فرمانروایان و دیگر افراد جامعه تنظیم گردد. وی مبنای حقوق را عقل سلیم می‌داند و عدالت را قانون طبیعی معنا می‌کند؛ از این رو معتقد است قانون طبیعی همه جا یکسان و تغییرناپذیر بوده و برای همه دولت‌ها الزام‌آور است.</p>	سیسرون	
<p>فارابی با بهره‌گیری از میراث یونانی و آموزه‌های اسلامی، تعقل مدنی را در منظومه‌ای فلسفی قرار داد. عدالت در دیدگاه فارابی درباره مسئله نابرابری شکل گرفته است و عدالت را حامل امنیت می‌داند که از طریق قانون تأمین می‌شود و نظریه عدالت او با مسئله ثبوت حق و ضرورت حمایت از این حق توسط حکومت تکمیل می‌شود.</p>	فارابی	

خلاصه دیدگاه	صاحب نظران	رویکرد
<p>هایز معتقد است که عدالت عبارت است از اجرای تعهداتی که فرد از روی منعت طلبی به اجرای آنها رضایت داده است. توماس هابز در مورد عدالت می نویسد: «از همان قانون طبیعی ای که به موجب آن آدمیان باید حقوقی را که حفظشان مانع برقراری صلح در بین ایشان می گردد به دیگری واگذار کنند، قانون سومی استنتاج می شود که این است؛ آدمیان باید به عهد و پیمان خود وفا کنند، بدون این قاعده پیمان ها باطل و تنها کلمات میان تهی خواهند بود و حق همه آدمیان نسبت به همه چیز همچنان برقرار خواهد ماند و در نتیجه آدمیان همچنان در وضع جنگی به سر خواهند برد. سرچشمه و ریشه عدالت در همین قانون طبیعی نهفته است. از این رو براساس دیدگاه هابز، اساس عدالت، قرارداد است.</p>	هابز	تجربه گرایان (قراردادی)
<p>از نظر هیوم قواعد و قوانین مربوط به عدالت، قوانینی هستند که ثبات و دوام مالکیت را تعیین می بخشد. این قواعد، قوانینی را در بر می گیرد که موجب پدید آمدن مالکیت و نقل و انتقال آن عدالت است. او در برنامه تحقیق در باب فهم بشری بی عدالتی را آشکارا تجاوز به دارایی و نقض آن تعریف می کند. به بیان دیگر، به عقیده هیوم عدالت، نظارت بر قوانینی است که برای افزایش دوام و ثبات ثروت وضع شده اند. بنابراین اعمال عادلانه آن دسته از افعالی هستند که در تطابق با چنین قوانینی باشند.</p>	هیوم	

خلاصه دیدگاه	صاحب نظران	رویکرد
<p>از دید کانت بالاترین ویژگی دولت خوب، عدالت است و فقط قدرت مطلق حکومت، ضامن عدالت نیست. از این رو وی معتقد است صرف نظر از اینکه مردم به چه انگیزه‌ای به مراجع مدنی گردن نهاده باشند، توجیه‌هایی برای تأسیس جامعه‌ای مرکب از شهروندان آزاد باید ماهیت اخلاقی داشته باشد. ولی پایه اعتقادهای اخلاقی غالباً هنجارهای مختلف و متعارض دینی، مذهبی یا دیگر هنجارهای فرهنگی است، بنابراین، چگونه ممکن است نظامی از قوانین به وجود آورد که اخلاقاً برای همه کس پذیرفتنی باشد؟ او برای رفع این مشکل به اصلی ماقبل سیاسی در قانون‌گذاری معتقد شد که اساس آن فقط عقل بود، و آن را «اصل عام عدالت» نام نهاد. نقش این اصل، تنظیم سراسر ساختار شکلی قوانین در جامعه است، و تنها آن گونه تنظیمات و ترتیبات مدنی، عادلانه یا به حق هستند که حداکثر آزادی را یکسان برای همه ممکن سازند.</p>	کانت	عقل‌گرایان
<p>هایک تنها به عدالت فردی معتقد است و مفهومی به نام عدالت اجتماعی را باور ندارد و معتقد است که عدالت اجتماعی سرابی بیش نیست، بلکه همان عدالت توزیعی است. وی عدالت را قواعد رفتاری در حوزه فردی می‌داند. نقطه کانونی در اندیشه‌های او مفهومی به نام نظم خودجوش است و به باور او بیشتر پدیده‌های اجتماعی از چنین نظمی پیروی می‌کنند. در دیدگاه هایک هیچ‌گونه ارتباط و الزامی میان عدالت و حق وجود ندارد. او اقتصاد را همان رهاورد و سازکار بازار و حاکمیت اصل رقابت می‌داند.</p>	هایک	آزادی‌گرایان <sup>۱</sup>

۱. آزادی‌گرایی شاخه‌ای از فلسفه لیبرال است که نقطه کانونی آن آزادی فردی و اقتصادی به‌ویژه دخالت نکردن دولت است.

خلاصه دیدگاه	صاحب نظران	رویکرد
<p>رالز بزرگترین نظریه پرداز عدالت با تفکر لیبرالیسم می باشد. نظریه و هدف اصلی راولز ارائه اصول بی طرفانه برای عدالت است تا تضاد میان آزادی و عدالت در جوامع لیبرال دموکرات به کمترین حد برسد. از دیدگاه او عدالت، توافق آزاد افراد در وضع نخستین است و توافق افراد بدون پیش داوری به عدالت مشروعیت می دهد. راولز معتقد است جامعه ای عادلانه است که عدالت، ساختار اصلی آن باشد. وی اعتقاد دارد هر قانون یا نهادی بدون توجه اینکه چقدر کارآمد و سامان یافته باشد، اگر ناعادلانه است باید کنار برود.</p>	راولز	آزادی گرایان
<p>نظریه عدالت استحقاقی نوزیک بر مفهوم حق طبیعی جان لاک و مبنای آزادی فردی پایه گذاری شده است. وی با تأکید بر حقوق اساسی و آزادی های فردی، عدالت اجتماعی را ناقض این ها می داند. براساس نظریه وی اگر دارایی های کسی به صورت مشروع به دست آمده باشد و به زور نباشد این دارایی ها مشروع است (مالکیت خصوصی) و عدالت برقرار شده است.</p>	نوزیک	
<p>وی عدالت و برابری را نهفته در ذات نظریه ها دانسته و معتقد است هر دولت باید افزون بر طرفداری از توسعه اقتصادی، در زمینه اجرا و تحقق عدالت و برابری در جامعه، مسئولیت داشته باشد. آمارتیاسن، نظریه هایی را که بیشتر مردم فکر می کنند ضد برابری هستند، نظریه های برابرخواه می داند. اصول عدالت مطرح در اندیشه او؛ توجه به کارایی و آزادی، اقتصاد رفاه و نابرابری کارایی می باشد.</p>	آمارتیاسن	

خلاصه دیدگاه	صاحب نظران	رویکرد
<p>جان لاک بر مسائل مربوط به عدالت فردی و حقوق افراد تمرکز و تأکید دارد. عدالت از دیدگاه وی، چیزی جز حمایت از حقوق مسلم افراد نیست؛ یعنی باید از قلمرو افراد در مقابل مرز گذارهایی که نامشروع هستند، محافظت کرد. هدف اصلی عدالت و مفهوم دقیق یک جامعه‌ی نیک سامان، نباید چیزی جز محافظت از مالکیت فردی باشد.</p>	جان لاک	آزادی‌گرایان
<p>براساس دیدگاه مک‌ایننتایر، فضیلت، عدالت و قانون طبیعی در دیدگاه فیلسوفان مدرن از بافت، محتوای تاریخی و انسان‌شناسی واقعی تهی شده‌اند. به اعتقاد او، فیلسوفان مدرن مفهوم وظیفه و منفعت را به جای مفهوم فضیلت قرار داده‌اند و همچنین بر نگرشی فردگرایانه صحنه گذاشتند که با آن نمی‌توان درکی از فضیلت (عدالت) حاصل کرد. به عقیده‌ی او، برای فهم و پروراندن فضیلت در فرد باید به فعالیت اجتماعی، بستر و سنت تاریخی توجه کرد.</p>	مک‌ایننتایر	
<p>خواجه نصیر معتقد است اجناس فضایل چهار تاست: حکمت و شجاعت و عفت و عدالت و در فضایل هیچ فضیلت کامل‌تر از فضیلت عدالت نیست. ایشان عدالت را در امور مربوط به زندگی بر سه نوع می‌داند: اول: آنچه تعلق به اموال و کرامات انسانی دارد؛ دوم: آنچه تعلق به معاملات و معاوضات دارد؛ سوم: آنچه تعلق به تأدیبات و سیاسات دارد.</p>	خواجه نصیر طوسی	اسلامی
<p>از دیدگاه ابن‌خلدون عدالت مبتنی بر قشربندی اجتماعی و جاه و قدرت است و تحقق عدالت را بدون این واقعیت میسر نمی‌داند. او معتقد به عدالت اجتماعی به معنای تأمین مصلحت عمومی و مبنای تأمین عمران و امنیت است.</p>	ابن‌خلدون	



خلاصه دیدگاه	صاحب نظران	رویکرد
<p>غزالی با ارسطو هم‌آواز شده و معتقد است فضیلت، حد وسط میان دو حد متقابل (افراط و تفریط) است و هر کس که همه این خصال در او به حد اعتدال برسند، دارای حُسن خُلق به طور مطلق است و هر کس که فقط بعضی از این صفات در او به حد اعتدال برسد، نسبت به آن معنای خاص دارای حُسن خُلق است؛ مانند کسی که پاره‌ای از اجزای صورتش زیبا باشد.</p>	غزالی	اسلامی
<p>ایشان کمتر به مباحث بنیادین عدالت پرداخته و بیشتر رویکردی کاربردی داشت‌اند. از دیدگاه شهید صدر با وجود آنکه عدالت یکی از اصول سه‌گانه ساختمان عمومی اقتصاد اسلامی است، ولی جایگاه عدالت فراتر از یک اصل بوده و سنگ زیربنای مکتب اقتصاد اسلامی است. در رویکرد شهید صدر، توازن متکی بر دو محور کاهش نابرابری شدید و کسب درآمد متناسب با معیشت آبرومندانه است. در اندیشه شهید صدر عدالت نه یک اصل در میان دیگر اصول بلکه روح حاکم بر اقتصاد اسلامی است.</p>	شهید صدر	اسلامی
<p>شهید مطهری عدالت را همان تساوی و رعایت حقوق می‌داند که در این زمینه هم حقوق طبیعی (فطری) فرد را به رسمیت می‌شناسد و هم برای اجتماع حقوقی قائل است. از دیدگاه ایشان تنها راه مشروعیت و اعتبار حقوق طبیعی این است که هدفداری نظم عالم پذیرفته شود در واقع منشاء مشروعیت عدالت، خود ذات عدالت است و انسان‌ها می‌توانند برای شناخت آن از آموزه‌های دینی بهره گیرند. همچنین ایشان اصل دخالت دولت (حکومت) برای توزیع و اجرای توازن اجتماعی را پذیرفته و بلکه آن را ضروری می‌داند. براساس این دیدگاه برای اینکه از اختلافات شدید طبقاتی جلوگیری شود، دولت می‌تواند در مالکیت فردی دخالت و ثروت و درآمد را از افراد ثروتمند به افراد نیازمند منتقل کند.</p>	شهید مطهری	اسلامی

خلاصه دیدگاه	صاحب نظران	رویکرد
<p>در بررسی دیدگاه امام خمینی در مورد مفهوم عدالت و قسط برخی از معیارها از جمله میزان بودن، ملاک شناسایی حق از باطل و اسلام از غیر اسلام، (تلازم عدل و حق) فراگیری و گستردگی، فطری بودن، غایت انسان و جامعه بودن، وظیفه و مسئولیت انسانی و فریضه بودن و نیز عامل رشد و شکوفایی استعدادها و رفاه جوامع بشری در نزد ایشان حائز اهمیت است. از دید ایشان عدالت دارای بُعد گسترده اجتماعی و سیاسی و اقتصادی هست و از این رو فضیلتی است که به نهادها، گروه‌های اجتماعی و جامعه نیز تعلق می‌گیرد و جامعه را به سامان می‌آورد.</p>	<p>امام خمینی (ره)</p>	

مأخذ: نگارندگان.

بررسی تعاریف گوناگون از مفهوم عدالت در ادبیات جهانی نشان‌دهنده نسبی بودن آن در جوامع مختلف است، ولی بررسی دقیق‌تر این مفهوم از همسانی آن با مفاهیمی همچون برابری، حقوق (فردی و اجتماعی)، آزادی، انصاف، فواید و اخلاق نشان دارد. در واقع از این مفاهیم برای توضیح مفهوم عدالت استفاده شده است. نکته‌ای که در این جا اهمیت دارد این است که این مفاهیم از یک سو به اعتقادات و دیدگاه‌های فردی اشخاص و از سوی دیگر به شرایط اقتصادی و ساختار اجتماعی جامعه، همانند تفاوت‌های فرهنگی، سطح اقتصادی و توسعه اجتماعی جوامع وابسته است.

##### ۵. جایگاه عدالت در مکاتب مختلف بشری و مکتب اسلام

ارائه تعریف دقیق از عدالت در حالت کلی و جهان‌شمول، ناممکن است. هر جامعه بر اساس محدودیت‌ها و امکانات ساختار اجتماعی خود، تعریفی از عدالت دارد، ولی در حالت کلی می‌توان گفت عدالت یک ارزش در جامعه بوده و ناشی از اخلاق اجتماعی جامعه است یا به بیان بهتر، مهم‌ترین عامل

اثرگذار در گسترش مفهوم عدالت در یک جامعه، اخلاق اجتماعی آن جامعه است. بنابراین مفهوم عدالت را می‌توان در قالب نگرش‌های دولت‌ها و نحله‌های فکری و سیاسی به مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جست‌وجو کرد. بررسی محتویات مکاتب و نحله‌های فکری بشری در زمینه مفهوم عدالت نشان می‌دهد هر یک از آنها، دعوی ویژه‌ای درباره مفهوم عدالت دارند (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۳-۳۲)؛ به طوری که می‌توان بر اساس این دعاوی، اصول زیربنایی آموزه‌های هر مکتب از مکاتب موردنظر را استنباط کرد.

در دهه ۱۹۷۰، مفهوم عدالت در توزیع منابع و خدمات، نخستین بار توسط دیوید هاروی (نئومارکسیست) مطرح شد و در دهه‌های بعد توسط محققانی از جمله رالز، فاینشتاین، ساندراکاک، یونگ، سوچا، لوسی، تلن و غیره در برنامه‌ریزی شهری مورد توجه قرار گرفت (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۶). در اثر تلاش‌های فیلسوفانی مانند راولز، بحث درباره عدالت در قالب سنت فلسفی لیبرال و سپس برنامه‌ریزی لیبرال گنجانده شد (سعیدی رضوانی و نوریان، ۱۳۹۳: ۴۸). در چند دهه گذشته دیدگاه‌های جان راولز در مورد عدالت، نظریات زیادی را به خود جلب کرده است. از یک سو، راولز، عدالت را به مثابه انصاف تعریف می‌کند که بر فرد متکی است و نظریه عدالت را به معنای عدالت مساوات طلبانه نمی‌داند، بلکه آن را بر اصل تفاوت و اصل آزادی و در نهایت اصل فرصت برابر برای همه افراد جامعه مبتنی می‌کند. او معتقد است تخصیص و توزیع کالا در یک جامعه باید براساس اصل تفاوت کنترل شود و موجبات بهبود شرایط زندگی افرادی را که از فرصت‌های کمتری برخوردار هستند، در مقابل کسانی که شرایط بهتری دارند، فراهم کند. راولز نابرابری را تنها در شرایطی توجیه‌پذیر می‌داند که به سود طبقه کم‌برخوردار جامعه باشد (Rawls, 1971: 266). اما از سوی دیگر اجتماع‌گرایان در تعریف خود از عدالت بر جوامع متمرکز شده‌اند که حقوق‌شان باید پیش از افراد تعریف شود (الوندی‌پور و داداش‌پور، ۱۳۹۷: ۷۱). یانگ ایده یکسان‌سازی مفهوم عدالت را به نفع شناسایی اشکال خاصی از بی‌عدالتی که گروه اجتماعی خاص را تحت تأثیر قرار می‌دهند، رد کرد. او معتقد است ابعاد اقتصادی و اجتماعی به‌تنهایی برای تعریف عدالت

کافی نیستند و سیاست‌های عادلانه باید سرکوب هرگونه ظلم را پیگیری کنند (Young, 1990: 227). به بیان دیگر، اندیشمندان پیرو مکتب لیبرال در تعریف عدالت، بیشتر بر استحقاق و شایستگی (اصل تفاوت) و آزادی فردی تکیه دارند، در حالی که اندیشمندان پیرو مکتب سوسیالیسم بر نیاز و برابری در توزیع و تولید، تأکید می‌کنند (فلاح، ۱۳۸۵: ۴).

در مکتب اسلام نیز به مفهوم عدالت به‌طور مفصل پرداخته شده است. خداوند در آیه ۲۵ سوره حدید، از عدالت به عنوان هدف بعثت انبیاء یاد کرده است. در آموزه‌های اسلام، عدل بر مبنای حق تعریف شده و عدل و حق، مترادف و ملازم هم فرض شده‌اند. عدالت با قواعد و سازوکار روشن و مشخص، حق را به صاحبان حقیقی‌شان می‌رساند و کرامت انسانی را حفظ می‌کند (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۶). در ادامه به بررسی آموزه‌ها، اصول زیربنایی و نگرش آنها به مفهوم عدالت پرداخته می‌شود. گرایش فکری احزاب و جریان‌های سیاسی مختلف، تعیین‌کننده تصمیمات و اقدامات آنها در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

جدول ۵: اصول منطقی و مبنایی آموزه‌های برخی از مکاتب فلسفی - سیاسی درباره عدالت اجتماعی

مکتب	اصول منطقی - مبنایی	اساس مفهوم‌پردازی
لیبرالیسم	آزادی حق همه انسان‌ها است و هیچ‌کس حق ندارد آزادی دیگری را محدود کند.	آزادی
سوسیالیسم	انسان‌ها موجوداتی برابر هستند و باید برابر بمانند.	برابری
لیبرال-دموکرات (تعهد و اخلاص مدیران)	انسان‌ها موجوداتی برابر هستند و باید برابر بمانند؛ انسان‌ها حق دارند از آزادی برخوردار باشند و هیچ‌کس حق ندارد آزادی دیگری را محدود کند.	آمیزه آزادی و برابری
الف: قراردادگرایی	آمیزه آزادی و برابری انسان‌ها بر اساس یک قرارداد اجتماعی تعیین می‌شود و اعتبار پیدا می‌کند.	منافع عامه

اساس مفهوم‌پردازی	اصول منطقی - مبنایی	مکتب
	آمیزه آزادی و برابری انسان‌ها براساس پیش فرض‌های پذیرفته شده در گفتمان‌های اخلاقی - سیاسی تعیین می‌شود.	ب: اصول اخلاقی گفتمان
	آمیزه آزادی و برابری انسان‌ها به گونه‌ای تعیین می‌شود که سود و فایده نهایی اجتماع را به حداکثر افزایش دهد.	ج: فایده‌گرایی
	عدالت آن است که متضمن خیر و مصلحت عامه باشد.	د: اجتماع‌گرایی
تکثرگرایی در مفهوم‌پردازی	حقوق و تکالیف افراد و عدالت، بر حسب مقتضیات ویژه هر محل به صورت محدود و موقت تعریف می‌شود.	فرانوگرایی
جبرگرایی در مفهوم‌پردازی	هر آن چه رخ دهد مصداقی از عدالت است.	تقدیرگرایی

مأخذ: پورعزت، ۱۳۸۴

به تعبیر شهید مطهری، عدل در اسلام، در قرآن ریشه دارد و قرآن است که بذر عدل را در دل جامعه اسلامی می‌پراکند. این مسئله به حدی برای دین حق، اهمیت دارد که گاهی خدا از مقام فاعلیت و تدبیر الهی به مقام اقامه عدل یاد می‌کند. در آموزه‌های مکتب اسلام، عدل بر مبنای حق تعریف و عدل و حق، مترادف و ملازم هم فرض شده‌اند؛ حقی که از معنی و مفهوم ذاتی و جوهری ثابت و پایدار برخوردار است. عدالت به عنوان رکن رکین و اصلی پایدار، مطرح است و نظام تکوین و تشریح را در برمی‌گیرد، به گونه‌ای که بر همه چیز حاکم است و همه دیدگاه‌ها و مباحث نظری و هست‌ها و نیست‌ها از یک سو و همه نظامات و احکام و بایدها و نبایدها را از سوی دیگر در چارچوب اصل عدالت شکل گرفته‌اند (اسحاقی و احمدیه، ۱۳۹۹: ۴). در این سیستم حق مدار، اصل توحید به گونه‌ای مطرح می‌شود که اصول برابری و آزادی بر اساس آن تعریف می‌شوند، بنابراین مشروعیت برابری از خلقت انسان‌ها به مثابه موجوداتی برابر و مشروعیت آزادی از خلقت آنها به منزله موجوداتی آزاد، ناشی می‌شود. همه انسان‌ها برابر

هستند، چون همگی یک خدا دارند و همه انسان‌ها آزاد هستند، چون خدای یکتا، آنها را آزاد و مختار آفریده است. اصل تناسب حق و تکلیف، اصلی منطقی است که بر حسب مقتضیات متفاوت، امکان تطبیق مصادیق گوناگون را با شرایط متغیر زمانی و مکانی فراهم می‌سازد و پویایی این مجموعه، این سیستم منطقی را تضمین می‌کند. اصل تسهیل کمال‌گرایی نیز بر مقصد این سیستم نظری دلالت دارد؛ این سیستم به گونه‌ای طراحی و تنظیم می‌شود که همواره سیر کمال‌گرایانه را برای همه آحاد جامعه تضمین کند. به این ترتیب در آموزه‌های سیستم حق‌مدار، برابری و آزادی ناشی از خلقت یکسان آدمیان، در یک سیستم نظری پویا، به مثابه مبنای توجیه حقوق و تکالیف در سیری کمال‌گرا و متعادل، مورد توجه قرار می‌گیرد (پورعزت، ۱۳۸۵: ۲۳-۲۴). معصومین علیهم‌السلام در کلام خود همواره بر موضوع عدالت تأکید داشته‌اند. حضرت علی علیه‌السلام به عنوان نماینده تمام و کمال این مکتب فکری، میان عدل و وجود تفاوت قائل می‌شوند و معتقدند که عدل هر چیزی را در سر جای خود قرار می‌دهد و هر حقی را به ذی حق واقعی‌اش می‌رساند؛ در حالی که وجود، جریانی است که امور را از مدار طبیعی خود خارج می‌کند (مطهری، ۱۳۶۰: ۵-۶). حضرت علی علیه‌السلام قرارداد هر چیزی در سر جای خود را کافی نمی‌دانند و قید حق به حقدار را نیز به آن می‌افزایند؛ زیرا اگر قسمت اول جمله به تنهایی مورد استفاده قرار گیرد، تغییر و بهبودی در جامعه صورت نمی‌گیرد. در حالی که قسمت دوم جمله به آن اضافه شود، نقش تغییر و اصلاح نیز در جامعه مطرح می‌شود (مطهری، ۱۳۶۰: ۶۴).

ایشان بر این باورند که انسان‌ها در زمینه‌های مختلف، استعداد‌های متفاوت دارند و افراد هم‌استعداد نیز، ممکن است در اثر تلاش و پشتکار خود برای رسیدن به هدف با یکدیگر متفاوت باشند، بنابراین در چنین مواقعی تفاوت گذاشتن میان افراد، لازمه عدالت است. اما حضرت علی علیه‌السلام معتقدند در این استحقاق‌گرایی نباید افراط شود؛ زیرا وجود فقر در اجتماع، اثرات منفی بسیاری در پی دارد، آن‌چنان که فقر را عامل نقصان دین و پریشانی فکر معرفی می‌کنند (همان، ۹۳). شاید بتوان عدالت امام علی علیه‌السلام را منصفانه رفتار کردن با مردم نامید؛ بدین معنا که با افراد سالم و دارای استعداد از روی استحقاق و با افراد

ضعیف و ناتوان از روی توزیع برخوردار شود (دشتی، ۱۳۸۲: ۴۰۵). در این راستا، بررسی دیدگاه‌های استاد مطهری نشان می‌دهد که، عدل در ساحت اجتماع به معنای اعطای حق به ذی حق واقعی‌اش است. از نظر وی، عدالت ابزاری حیاتی برای رعایت استحقاق‌ها در جامعه است. در مجموع حضرت علی علیه السلام «استقامت بر شرع و طریقت اسلام» و یا «رعایت حد وسط و اعتدال در سلوک و رفتار» را به عنوان مفاهیم عدالت تعریف کرده‌اند. امام محمد باقر علیه السلام در زمینه ضرورت و اهمیت اقامه عدل می‌فرماید: «سه چیز است که تمام مردم به آن نیازمندند: ۱. امنیت و آرامش ۲. عدالت و دادگستری ۳. فراوانی نعمت و ارزاق عمومی». از امام صادق علیه السلام نیز در این خصوص نقل شده است که انسان‌ها به رفاه و غنا می‌رسند آنگاه که میان آنان عدالت تحقق یابد.

به نظر می‌رسد که با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان دریافت که رابطه تنگاتنگی میان برقراری عدالت و سطح برخورداری مردم از خدمات و منابع وجود دارد. همان‌گونه که در کلام امام صادق علیه السلام تحقق عدالت منوط به دستیابی تمام افراد جامعه به سطحی از رفاه و غنا شده است. از این رو اندیشمندان و صاحب‌نظران اسلامی درصدد برآمدند که با استفاده و بهره‌مندی از آموزه‌ها و مبانی برگرفته از قرآن کریم<sup>۱</sup> و روایات رهیافت خویش را از مفهوم عدالت بیان کنند. برقراری عدالت در جامعه اسلامی - که امنیت و رفاه اساسی را نیز دربرمی‌گیرد- در کنار رشد اقتصادی جامعه اسلامی و تأمین زمینه‌های رشد معنوی آحاد شهروندان، وظیفه‌ای کلیدی برای دولت اسلامی می‌باشد. در اسلام، مسئله عدل نه تنها در احکام و اعمال بشر، بلکه در صفات خداوند و اعمال او جایگاهی والا دارد و عدل الهی، بخشی مهم از مباحث اسلامی را به خود اختصاص داده است. اسلام، عدالت توزیعی، استحقاقی، برابری فرصت‌ها و غیره را کنار یکدیگر قرار می‌دهد و آن را با هم، دارای معنا تلقی می‌کند. در اسلام، عدالت، کاملاً استحقاقی نیست؛ زیرا در

۱. آل عمران/ ۱۸۲؛ انفال/ ۵۱؛ حج/ ۱۰؛ نساء/ ۴۰؛ مائده/؛ شوری/ ۱۵؛ اعراف/ ۲۹؛ یونس/ ۴۷؛ هود/ ۸۵؛ نحل/ ۹۰؛

حدید/ ۲۵؛ آل عمران/ ۱۸؛ حجرات/ ۹؛ ممتحنه/ ۸.

این صورت به افرادی که توان کار نداشته یا از استعداد بالایی برخوردار نباشند، ظلم می‌شود و در عین حال، کاملاً توزیعی نیست؛ زیرا تفاوت میان افراد تلاش‌گر و بی‌کار مشخص نمی‌شود. از سوی دیگر، ترکیبی از این دو هم نیست؛ زیرا به شرایطی که انسان‌ها در آن رشد کرده‌اند نیز توجه دارد و می‌کوشد برای همگان فرصت‌های برابری برای پیشرفت فراهم آورد (رستمی و داداش‌پور، ۱۳۹۷).

همچنین برای درک عدالت در مکتب اسلام به اصل لاضرر و لاضرار می‌توان اشاره کرد. شهر مبتنی بر عدالت در اسلام، ترجمان درک صحیح از جایگاه و نقش قاعده لاضرر و لاضرار است. عدالت با دیدگاه اسلامی ظرفیت‌های ممتازی را در اختیار جامعه اسلامی قرار می‌دهد. نخستین مزیت آن، وجود مبانی متناسب با نظام خلقت و فطرت است؛ زیرا دین اسلام بر اساس فطرت انسان فرستاده شده است؛ از این رو اگر مبانی نظام عادلانه سازگار با فطرت انسان‌ها، احیاء و اقامه شود، فطرت‌های سالم آن را می‌پذیرند. افزون بر این، برای اقامه عدل، قوانین و معیارهای عادلانه‌ای فرستاده شده که می‌تواند برنامه‌های عادلانه را برای هر بستری از جمله در شهر پشتیبانی کند و نظام عادلانه را تأمین نماید. از این رو نظام مطلوب در اسلام، نظام مبتنی بر عدالت است. در جدول زیر، مجموعه اصول منطقی و مبنایی مفهوم عدالت حق‌مدار در اسلام که از قرآن و نهج البلاغه استخراج شده، گرد آمده است.

جدول ۶: اصول منطقی و مبنایی مفهوم عدالت حق‌مدار قرآن و نهج البلاغه

ردیف	متن اصول مبنایی	برخی از منابع استنباط
اول	جهان فقط یک خالق دارد که مالکیت مطلق هستی از آن اوست.	شوری/۴؛ خلاص/۱؛ انبیاء/۱۹، ۲۲؛ خطبه ۸۴؛ ۱۶۷.
دوم	همه انسان‌ها مخلوق خداوند یکتا هستند و از این حیث شأن و حقوق مساوی و برابر دارند.	حجرات/۱۳؛ نامه ۴۶؛ ۷۰۷؛ نامه ۵۳؛ ۷۲۱؛ نامه ۲۷؛ ۶۴۱ و ۶۴۳.



ردیف	متن اصول مبنایی	برخی از منابع استنباط
اصل سوم	انسان، آزاد و مختار آفریده شده است و هیچ انسانی مجاز نیست این اختیار را از دیگری سلب کند.	نحل/۳۷-۳۵؛ نور/۵۴؛ بقره/۲۵۶؛ شعرا/۳؛ یونس/ ۹۹؛ خطبه ۱، ۳۵ و ۳۷.
اصل چهارم	در برابر هر حقی که برای انسان ایجاد می‌شود، تکلیفی متناسب با آن حق، بر عهده او خواهد بود.	عراف/۴۲؛ بقره/۲۸۶؛ طلاق/۷؛ خطبه ۲۰۷؛ ۴۹۵.
اصل پنجم	شرایط اجتماعی باید به گونه‌ای تنظیم شوند که از طریق ابلاغ حق و روشن کردن راه، سیر فرد به سوی کمال را تسهیل کنند. البته انسان مختار، ممکن است به کمال یا قهقرا میل داشته باشد و هیچ‌کس حق ندارد او را مجبور کند یا به اکراه به‌کاری وادارد.	اعراف/۴۲ و ۴۵؛ خطبه ۴۱؛ ۱۰۷؛ خطبه ۶۸؛ ۱۳۷.

مأخذ: پورعزت، ۱۳۸۴.

اصل دوم و سوم این مجموعه همانند آموزه‌های لیبرال مردم سالار، بر آزادی و برابری تأکید دارند، ولی این دو اصل در نظام حق مدار بر اصلی اساسی‌تر مبتنی می‌شوند که مشروعیت آزادی و برابری را بر چیزی غیر از قرارداد اولیه (توافق‌های انسانی) یا فایده نهایی (منافع انسانی) یا اصول اخلاقی گفتمان (قضاوت‌های انسانی) استوار می‌کند. در این نظام، اصل توحید به گونه‌ای مطرح می‌شود که اصول برابری و آزادی بر اساس آن تعریف شوند، بنابراین مشروعیت برابری از خلقت انسان‌ها به مثابه موجوداتی برابر و مشروعیت آزادی از خلقت آنها به منزله موجوداتی آزاد، ناشی می‌شود. به این ترتیب، نظام استدلالی حق مدار مانع دخالت تمایلات انسانی گروه‌های ذی‌نفع متفاوت در تعریف عدالت می‌شود و مبدأ و مبنایی استوار برای طراحی نظام نظری مستحکمی درباره عدالت فراهم می‌آورد.

## ۶. یافته‌ها و تحلیل

### ۶-۱. به کارگیری روش مؤثرترین - کم‌اثرترین شاخص به منظور وزن دهی به معیارها (BWM)

بر اساس این روش، بهترین شاخص، شاخصی است که بیشترین تأثیر مثبت در رابطه با موضوع را داشته باشد، و کم‌اثرترین شاخص، شاخصی است که کمترین تأثیر مثبت را در رابطه با موضوع پژوهش برجای گذارد. مؤثرترین و کم‌اثرترین شاخص توسط تصمیم‌گیرنده مشخص می‌شود و مقایسه زوجی میان هر یک از این دو شاخص و دیگر شاخص‌ها صورت می‌گیرد؛ سپس به منظور وزن دهی و رتبه‌بندی شاخص‌های پژوهش، مؤثرترین و کم‌اثرترین شاخص‌ها (معیارها) تعیین می‌شود. همچنین در این روش، فرمولی برای محاسبه نرخ ناسازگاری به منظور بررسی اعتبار مقایسات در نظر گرفته شده است. از جمله ویژگی‌های برجسته این روش نسبت به دیگر روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه عبارت است از:

- ✓ به داده‌های مقایسه‌ای کمتر نیاز دارد؛
- ✓ این روش به مقایسه‌های استوارتر منجر می‌شود؛ بدین معنا که جواب‌های قابل اطمینان‌تری می‌دهد.
- مرحله اول: تعیین مجموعه شاخص‌های تصمیم‌گیری: در این مرحله، معیارهای  $\{c_1, c_2, \dots, c_n\}$  را که برای دستیابی به یک تصمیم مورد استفاده قرار می‌گیرند، در نظر می‌گیریم.
- مرحله دوم: بهترین (مهم‌ترین) و کم‌اثرترین (کم‌اهمیت‌ترین) شاخص را تعیین نمایید. در این مرحله شاخص تصمیم‌گیرنده، مؤثرترین و کم‌اثرترین شاخص را به صورت کلی مشخص می‌نماید. در این مرحله هیچ مقایسه‌ای انجام نمی‌شود.
- مرحله سوم: ارجحیت بهترین شاخص (منتخب نظر کارشناسان) نسبت به دیگر شاخص‌ها با استفاده از اعداد میان ۱ تا ۹ (مقیاس ۹ کمیته آقای ال‌ساعتی) بیان شده است.
- مرحله چهارم: ارجحیت شاخص‌ها نسبت به کم‌اثرترین شاخص (منتخب کارشناسان) بر مبنای همان مقیاس، محاسبه گردیده است. بُردار برتری دیگر شاخص‌ها نسبت به کم‌اثرترین شاخص به شرح ذیل خواهد بود.

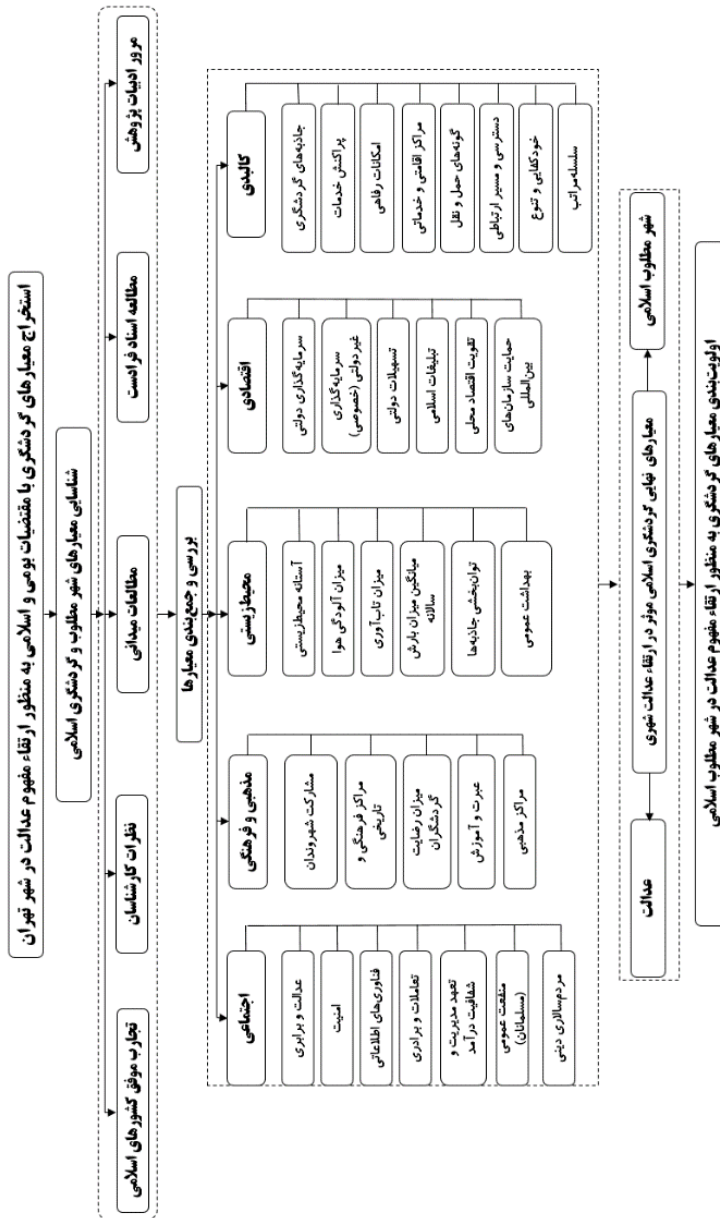
- مرحله پنجم: یافتن مقادیر بهینه وزن‌ها  $(w_1^*, w_2^*, \dots, w_n^*)$ : وزن بهینه برای شاخص‌ها، وزنی که در آن، برای هر زوج  $\frac{w_j}{w_w}$  و  $\frac{w_b}{w_j}$  رابطه ذیل برقرار باشد.
 
$$\frac{w_j}{w_w} = a_{jw} \quad \text{و} \quad \frac{w_b}{w_j} = a_{Bj}$$
- برای برقرار این شرایط برای تمامی  $j$ ها، باید راه‌حلی را بیابیم که در آن حداکثر تفاوت‌های مطلق یعنی  $|a_{jw} - \frac{w_j}{w_w}|$  و  $|a_{Bj} - \frac{w_b}{w_j}|$  برای تمامی  $j$ ها حداقل باشد. با در نظر گرفتن منفی نبودن مقایر و شرایط جمع اوزان، مسئله ذیل حاصل می‌گردد.

$\min \max_j \{  \frac{w_b}{w_j} - a_{Bj} ,  \frac{w_j}{w_w} - a_{jw}  \}$ <p>s.t.</p> $\sum_j w_j = 1$ $w_j \geq 0, \text{ for all } j$	<p>رابطه ۱</p> <p>برای تمام <math>j</math></p>
--	--

مسئله مدل رابطه ۱ از نوع غیرخطی می‌باشد که ممکن است جواب‌های بهینه چندگانه ارائه دهد، بنابراین می‌توان آن را به مدل خطی تبدیل نمود که در رابطه ۲ آورده شده است.

$\min \xi$ <p>s.t.</p> $ \frac{w_b}{w_j} - a_{Bj}  \leq \xi$ $ \frac{w_j}{w_w} - a_{jw}  \leq \xi$ $\sum_j w_j = 1$ $w_j \geq 0, \text{ for all } j$	<p>رابطه ۲</p> <p>برای تمامی <math>j</math></p> <p>برای تمامی <math>j</math></p> <p>برای تمامی <math>j</math></p>
--	---

در مرحله اول ابتدا معیارهای این نوع از گردشگری با تأکید بر گردشگری اسلامی از منابع و مستندات معتبر علمی داخلی و خارجی استخراج شده است. سپس با آنها، با تغییر جزئی در ادبیات برخی معیارها در جهت انطباق با نحوه هدف پژوهش حاضر، می‌توان معیارهای ذیل را پیشنهاد کرد:



نمودار ۱: استخراج اولیه معیارهای گردشگری به منظور ارتقاء عدالت در شهر مطلوب اسلامی

مأخذ: نگارندگان

در مرحله دوم باید به تعیین وزن و اهمیت معیارهای پژوهش با استفاده از مدل BWM پرداخته شود. بر اساس میانگین امتیاز معیارها که در پرسشنامه بررسی روایی معیارها از ۱۵ نفر کارشناسان و متخصصان این حوزه استعلام شده و از آنها خواسته شده بود آن دسته از معیارهایی که روایی آنها تأیید می‌گردد، از ۱ تا ۱۰ وزن دهی نمایند. براین اساس، معیار «عدالت و برابری» با کسب بالاترین امتیاز به عنوان بهترین معیار و همچنین «توانبخشی جاذبه‌های گردشگری» با حداقل امتیاز به عنوان کم‌اثرترین معیار نسبت به موضوع و هدف پژوهش مشخص شدند که در جدول ذیل آورده شده است.

در مرحله سوم پس از مشخص شدن بهترین (مؤثرترین) و کم‌اثرترین معیارها براساس میانگین وزن (امتیاز) پرسشنامه تأیید روایی، در گام بعد باید مقایسات زوجی بهترین شاخص با دیگر شاخص‌ها (BO) و مقایسه زوجی دیگر شاخص‌ها با کم‌اثرترین شاخص (OW) صورت گیرد. جامعه آماری این پرسشنامه، ۱۵ نفر از کارشناسان، متخصصان حوزه شهرسازی و گردشگری و اساتید دانشگاه بودند که از ایشان خواسته شد به مقایسات زوجی بر اساس طیف ال‌ساعتی از ۱ تا ۹ پاسخ دهند. پس از پاسخ‌گویی، مقایسات زوجی با استفاده از روش میانگین هندسی ادغام می‌شوند تا جهت تعیین وزن وارد الگوریتم روش BWM شوند. به عنوان مثال ابتدا مقایسه زوجی بهترین معیار با دیگر معیارها را تشکیل می‌دهیم. همچنین به طریق مشابه، مقایسه زوجی دیگر معیارها با کم‌اثرترین معیار نیز ایجاد خواهد شد.

جدول ۷: مقایسات زوجی بهترین معیار نسبت به دیگر معیارها

پراکنش خدمات	۱/۸۳۲
تعاملات و برادری	۵/۷۵۶
گونه‌های حمل و نقل	۳/۹۹۰
تنوع و خودکفایی	۴/۰۲۴
تبلیغات اسلامی	۴/۶۵۸
مردمسالاری دینی	۳/۷۹۲
عبرت و آموزش	۳/۶۲۵
تقویت اقتصاد محلی	۴/۷۱۵
عبرت و آموزش	۷/۱۸۵
میزان تاب‌آوری	۳/۸۰۰
دسترسی و مسیر ارتباطی	۳/۹۵۸
سرمایه‌گذاری خصوصی	۳/۰۶۵
حمایت سازمان‌های بین‌المللی	۴/۷۹۸
مراکز مذهبی و فرهنگی	۶/۶۶۳
تسهیلات دولت	۳/۰۶۵
آستانه محیط‌زیستی	۳/۷۳۶
شفافیت درآمد	۳/۷۹۲
فناوری‌های اطلاعاتی	۷/۳۱۲
جاذبه‌های گردشگری	۳/۹۵۸
امکانات رفاهی	۲/۰۶۱
رضایت گردشگران	۶/۸۷۵
مراکز اقامتی و خدماتی	۲/۰۶۱
امنیت	۲/۹۷۴
منافع عمومی (مسلمانان)	۳/۶۲۴
سرمایه‌گذاری دولتی	۲/۱۲۴
توانبخشی جاذبه‌ها	۸/۱۱۵
عدالت و برابری	۱/۰۰۰
<b>B</b>	عدالت و برابری

مأخذ: نگارندگان

جدول ۸: مقایسات زوجی دیگر معیارها نسبت به کم‌اثرترین معیار

پراکنش خدمات	۴/۴۶۸
تعاملات و برادری	۱/۴۳۹
گونه‌های حمل و نقل	۲/۰۳۰
تنوع و خودکفایی	۲/۰۹۲
تبلیغات اسلامی	۲/۰۶۱
مردمسالاری دینی	۲/۲۲۲
تعهد و اخلاص مدیران	۲/۲۷۰
تقویت اقتصاد محلی	۲/۰۵۲
عبرت و آموزش	۱/۰۹۶
میزان تاب‌آوری	۲/۲۳۶
دسترسی و مسیر ارتباطی	۲/۰۰۰
سرمایه‌گذاری خصوصی	۲/۹۱۱
حمایت سازمان‌های بین‌المللی	۲/۰۰۰
مراکز مذهبی و فرهنگی	۱/۰۵۳
تسهیلات دولت	۳/۰۳۸
آستانه محیط‌زیستی	۲/۲۴۵
شفافیت درآمد	۲/۱۲۴
فناوری‌های اطلاعاتی	۱/۰۵۳
جاذبه‌های گردشگری	۲/۰۶۱
امکانات رفاهی	۴/۸۳۷
رضایت گردشگران	۱/۰۰۰
مراکز اقامتی و خدماتی	۴/۵۸۱
امنیت	۲/۸۲۵
منافع عمومی (مسلمانان)	۲/۱۵۶
سرمایه‌گذاری دولتی	۴/۲۸۱
توانبخشی جاذبه‌ها	۱/۰۰۰
عدالت و برابری	۸/۱۱۵
<b>Z</b>	توانبخشی جاذبه‌ها

مأخذ: نگارندگان

عدالت شهری، شاخه‌ای از عدالت اجتماعی است که مرکز اصلی تمام مباحث مربوط به برنامه‌ریزی شهری نیز به‌شمار می‌آید. از آنجاکه خدمات عمومی شهری ساختاردهنده شکل و ماهیت کالبدی، اجتماعی و فضایی شهر می‌باشد، عدم تحقق عدالت در نحوه توزیع آن، تأثیر جبران‌ناپذیری بر ساختار، ماهیت شهر و جدایی‌گزینی طبقاتی مناطق شهری گذاشته و مدیریت شهری را با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌کند. عدالت فضایی، وضعیت مناطق از جمله مناطق بیست‌ودوگانه شهرداری تهران را از نظر شیوه توزیع خدمات و میزان برخورداری از شاخص‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی و زیربنایی بررسی می‌کند. تحقق عدالت فضایی در این مناطق، نیازمند به‌کارگیری ابزارهای مختلف از جمله گردشگری با تمام ظرفیت‌های خود و همچنین اتخاذ تصمیمات کارا توسط متولیان و برنامه‌ریزان این مهم می‌باشد. گفتنی است هرگونه تصمیم‌گیری برای بستر وضع موجود مناطق بیست‌ودوگانه شهرداری تهران، مستلزم بررسی و شناسایی ظرفیت‌ها و شرایط کنونی برخورداری از خدمات و دیگر متغیرهای گردشگری شهری است. با توجه به ضرورت این بحث در ادامه پژوهش، جدول مربوط به وزن و رتبه هر یک از متغیرها جهت نیل به هدف و موضوع این پژوهش؛ یعنی تبیین نقش و جایگاه گردشگری پایدار در تکوین عدالت فضایی در برنامه‌ریزی توسعه شهری مورد مطالعاتی شهر تهران درج می‌گردد.

جدول ۹: وزن و رتبه نهایی معیارها

رتبه	وزن	V	معیارها
۱	0.1161	V1	عدالت و برابری
۲	0.0643	V2	پراکنش خدمات
۳	0.0631	V3	مراکز مذهبی و فرهنگی
۴	0.0578	V4	امکانات رفاهی
۵	0.0545	V5	سرمایه‌گذاری دولتی
۶	0.04194	V6	امنیت
۷	0.04007	V7	سرمایه‌گذاری خصوصی

رتبه	وزن	V	معیارها
۸	0.04147	V8	تسهیلات دولت
۹	0.03684	V9	منافع عمومی (مسلمانان)
۱۰	0.03583	V10	تعهد و اخلاص مدیران
۱۱	0.03486	V11	آستانه محیط‌زیستی
۱۲	0.0334	V12	شفافیت درآمد
۱۳	0.033	V13	مردم‌سالاری دینی
۱۴	0.03303	V14	میزان تاب‌آوری
۱۵	0.03239	V15	دسترسی و مسیر ارتباطی
۱۶	0.03209	V16	جاذبه‌های گردشگری شهری
۱۷	0.03185	V17	گونه‌های حمل‌ونقل
۱۸	0.03161	V18	تنوع و خودکفایی
۱۹	0.02762	V19	تبلیغات اسلامی
۲۰	0.02731	V20	تقویت اقتصاد محلی
۲۱	0.02588	V21	حمایت سازمان‌های بین‌المللی
۲۲	0.02359	V22	تعاملات و برادری
۲۳	0.02001	V23	مراکز اقامتی و خدماتی
۲۴	0.01946	V24	رضایت گردشگران
۲۵	0.01843	V25	عبرت و آموزش
۲۶	0.01251	V26	فناوری‌های اطلاعاتی
۲۷	0.01101	V27	توانبخشی جاذبه‌های گردشگری

مأخذ: نگارندگان.

نتایج پژوهش در این بخش نشان می‌دهد معیار عدالت و برابری با وزن ۰/۱۱۶۱؛ رتبه اول، معیار برقراری پراکنش خدمات با وزن ۰/۰۶۴۳؛ رتبه دوم و همچنین مراکز مذهبی و فرهنگی با وزن ۰/۰۶۳۱؛



رتبه سوم را کسب کرده است همچنین نرخ سازگاری این مدل برابر با ۰/۰۰۶ می‌باشد که از سازگاری قابل قبول آن نشان دارد.

### نتیجه‌گیری

در قسمت یافته‌ها و تحلیل، چارچوبی از مهم‌ترین معیارهای گردشگری اسلامی مؤثر در ارتقاء و تکوین عدالت شهر تهران به ترتیب اولویت، تدوین شد. معیارهای گردشگری اسلامی با توجه به موضوع، محدوده و اهداف می‌تواند متفاوت باشد. گردشگری و اقتصاد مبتنی بر آن یکی از مهم‌ترین، بزرگ‌ترین و سریع‌ترین بخش‌های اقتصادی روبه‌رشد جهان به‌شمار می‌آید و با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد آن، تنها صنعتی است که می‌تواند برای همه طیف‌های اجتماعی و تخصصی و اقشار مختلف جامعه، شغل و درآمد ایجاد کند. تمام کشورهای پیشرفته در سال‌های اخیر به صنعت گردشگری ورود جدی داشته و صرف‌نظر از قابلیت‌های بالقوه خود در دیگر بخش‌ها همچنان با جدیت به آن به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان اقتصادی توجه خاص داشته‌اند. این کشورها از گردشگری به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف خاص خود از جمله توسعه اقتصادی، تبادل فرهنگی و اجتماعی، ایجاد شغل و کسب درآمد، حرکت به سمت پایداری، تحقق عدالت و غیره استفاده نموده و متناسب با آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند؛ زیرا گردشگری می‌تواند جایگزین مناسبی برای آنها به‌عنوان رهیافتی برای توسعه اقتصادی باشد. بررسی مفاهیم عدالت با هدف کلی ارزیابی و شناخت چگونگی چیدمان و توزیع منابع و جلوگیری از بروز نابرابری‌ها و شکلگیری مناطق نامتوازن اهمیت دارد. در این میان، ضرورت شناخت نحوه توزیع بهینه کاربری‌ها در مناطق گردشگرپذیر و همچنین کمتر برخوردار شهر تهران از اهمیت اساسی برخوردار است؛ زیرا در این مناطق، استفاده از زمین و فضا به‌عنوان منبع عمومی، باید براساس اصول شهر مطلوب اسلامی و برنامه‌ریزی کاربری زمین برای تحقق عدالت انجام شود.

دیدگاه برنامه‌ریزی شهری ایران نسبت به مفهوم فضا، دیدگاه مطلق‌گرایانه است که با بیان کالبدی از مکان‌های مستقل و منفرد و روابط میان آنها ساخته شده است و در واقع فضا را چیزی میان چیزهای دیگر و

محصولی میان محصولات دیگر می‌داند که ناشی از پارادایم جامع-عقلانی می‌باشد. با توجه به آنکه عدالت فضایی گفتمانی انتقادی در کاهش نابرابری، عدم تبعیض، کاهش فقر، دسترسی بهینه به تمام سرمایه‌های شهری، افزایش روابط اجتماعی و غیره است، رسیدن به این مهم در بستری شهر تهران، نیازمند بازتعریف ابزارهای توسعه و تحقق عدالت فضایی و نگاهی واقع‌بینانه به تمام مفردات بحث از جمله مکان، فضا، مشارکت، آزادی، روابط اجتماعی و غیره می‌باشد؛ زیرا با چنین تعبیری از فضا، هرگز عدالت در شهر محقق نمی‌گردد. چنانچه گردشگری شهری مبتنی بر معیار و اصول اسلامی محقق نگردد، مردم و حکومت محلی برای جبران خسارت‌ها و التیام عدم تعادل و ناهماهنگی‌هایی که گردشگران در مقصدهای گردشگری ایجاد می‌کنند، حفاظت از محیط‌زیست، حفاظت از بافت و مراکز فرهنگی و سنتی و غیره هزینه‌های فراوان را متحمل می‌شوند. از سوی دیگر گردشگری یک صنعت پاک است که می‌تواند به حفاظت محیط‌زیست، ایجاد اشتغال پایدار، تقسیم درآمد، کاهش نابرابری، توزیع عادلانه ثروت و خدمات، کاهش فقر، رشد و توسعه پایدار شهری و در نتیجه، تحقق عدالت فضایی منجر گردد. در این پژوهش با توجه به ضعف عدالت در شهر تهران، معیارهای گردشگری در شهر مطلوب اسلامی با تأکید بر ارتقاء عدالت رتبه‌بندی شد. با توجه به ماهیت چندگانه عدالت و جایگاه آن در جهان‌بینی اسلام و همچنین تأکید بر گردشگری و سیاحت در آموزه‌های قرآنی، باید ارائه راهکارهای نویدبخش به منظور بهره‌مندی از ظرفیت‌های گردشگری برای ارتقاء و تحقق عدالت در برنامه‌ریزی توسعه شهر تهران موردتوجه مدیران، برنامه‌ریزان و متولیان قرار گیرد.

## منابع و مأخذ

۱. اخوت، هانیه (۱۳۹۳)، «بررسی نقش آیات قرآن و احادیث شیعه در شکل‌گیری کالبد مسکن سنتی»، فصلنامه شیعه‌شناسی (الاهیات، تاریخ و جامعه‌شناسی شیعیان جهان)، دوره ۱۳، شماره ۵۲.
۲. اسحاقی، محمد؛ احمدیه، مریم (۱۳۹۹)، «بازخوانی عدالت در اندیشه جان راولز (با تأکید بر عدالت جنستی)»، پژوهش‌نامه متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ماهنامه علمی، دوره ۲۰، شماره ۱۱، زمستان، صص ۲۳-۳.
۳. بختیاری، صادق (۱۳۸۲)، تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک، تهران: انتشارات وزارت امور اقتصادی و دارایی.
۴. پرده‌پور، بهزاد (۱۳۹۸)، «بررسی عوامل توسعه گردشگری با تأکید گردشگری حلال (مطالعه موردی: شهر مشهد)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد: موسسه آموزش عالی بینالود.
۵. پوراحمد، احمد؛ موسوی، سیروس (۱۳۸۹)، ماهیت اجتماعی شهر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۱-۱.
۶. پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۴)، عدالت حق مدار، تهران: انتشارات علم و فرهنگ، نوبت اول.
۷. جعفری صمیمی، احمد؛ خبره، شیما (۱۳۹۴)، «اثر گردشگری مذهبی بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران»، فصلنامه جغرافیایی فضای گردشگری، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۱۰۳-۸۵.
۸. حاجی‌نژاد، علی؛ پایدار، ابوزر؛ باقری، فاطمه؛ عبدی، ناصر (۱۳۹۵)، «ارزیابی تأثیر گردشگری حلال بر حوزه‌های گردشگری ایران با استفاده از مدل جمع‌وزنی (WSM)»، نشریه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۴۶-۲۷.
۹. حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۶)، «حقوق و عدالت»، فصلنامه نقد و نظر، دوره ۲، شماره ۳.
۱۰. داداش‌پور، هاشم؛ الوندی‌پور، نینا (۱۳۹۵)، «عدالت فضایی در مقیاس شهری در ایران؛ فرامطالعه

- چارچوب نظری مقاله‌های علمی موجود»، نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، دوره ۲۱، شماره ۳، ۸۰-۶۷.
۱۱. داداش‌پور، هاشم؛ عزیزاده، بهرام؛ رستمی، فرامرز (۱۳۹۴)، «تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در مکتب اسلام»، فصلنامه علمی-پژوهشی نقش جهان، شماره ۱، دوره ۵، صص ۷۵-۸۴.
۱۲. رحیمی، لیلیا؛ نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۵)، «تجلی عدالت اجتماعی در ساختار شهر اسلامی (محلّه)»، فصلنامه هویت شهر، دوره ۱۰، شماره ۲۶، صص ۱۳-۲۰.
۱۳. رستمی، فرامرز؛ و داداش‌پور، هاشم (۱۳۹۷)، «تحلیلی بر ارتباط فضامندی بی‌عدالتی و بی‌عدالتی فضامندی در شهر کاشان»، فصلنامه جغرافیا و توسعه فضای شهری، دوره ۵، شماره ۲، صص ۸۱-۱۰۴.
۱۴. رک‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ بیشمی، بهار؛ سجادی قیداری، حمدالله؛ حسن‌پور، یوسف (۱۳۸۸)، «نقش کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در توریسم جهانی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۵، شماره ۲، پاییز، صص ۱۶۸-۱۳۸.
۱۵. سعیدی رضوانی، هادی؛ نوریان، فرشاد (۱۳۹۳)، «شهرسازی عدالت محور؛ رهیافتی پیش‌رو در برنامه‌ریزی شهری»، فصلنامه مطالعات شهری، دوره ۳، شماره ۳، صص ۵۸-۴۷.
۱۶. شفقی، سیروس؛ حسنونند، عباس؛ مصلحی، محسن (۱۳۹۱)، «ضرورت‌ها و ظرفیت‌های گردشگری اسلامی و رویکردهای آن از منظر الگوهای فرهنگی اسلام و فقه اسلامی»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۲، شماره ۶، صص ۱۳-۱.
۱۷. طیبیان، منوچهر؛ شکوهی، محمدصالح؛ ارباب، پارسا (۱۳۸۷)، «سنجش عدالت اجتماعی در طرح منظر شهری محلّه خوب بخت»، تهران: طرح پژوهشی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
۱۸. عثمان عبدالستار، محمد (۱۳۷۶)، مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، تهران: انتشارات امیر کبیر.

۱۹. عزیزی، محمد مهدی؛ شکوهی بیدهندی، محمد صالح (۱۳۹۴)، «تحلیل سیر تحول تاریخی مفهوم عدالت اجتماعی در برنامه‌های توسعه شهری ایران (۱۳۴۰-۱۳۹۰)»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نشریه تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۵، شماره ۲، صص ۱۴۹-۱۲۵.
۲۰. غنی‌زاده، مسعود، (۱۳۸۵)، «نگاهی به شهر در تمدن اسلامی»، راهبرد پاس، شماره ۷.
۲۱. فرجام، رسول، سلیمانی مقدم، هادی و چاوشی، اسماعیل، (۱۳۹۰)، «مفهوم اجتماعی شهر از منظر متون و تعالیم اسلامی»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۱، شماره ۲، صص ۴۰-۲۷.
۲۲. کلانتری، عبدالحسین؛ بخشی‌زاده، حسن (۱۳۹۹)، «معیارهای عدالت اجتماعی در شهر اسلامی»، فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۳۰-۹.
۲۳. لیدمان، اریک (۱۳۸۶)، تاریخ عقاید سیاسی: از افلاطون تا هابرماس، ترجمه سعید مقدم، تهران: اختران.
۲۴. مطهر، رضا (۱۳۹۸)، «بررسی تطبیقی معیارهای کرامت انسانی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های شهر مطلوب اسلامی در دو محله نوساز و قدیمی حکیمیه و خیابان ایران شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۵. مطهر، رضا؛ جلیلی صدرآبادی، سمانه؛ علیزاده، رضا (۱۴۰۰)، «مقایسه تطبیقی محله‌های نوساز و قدیمی مبتنی بر هویت (اسلامی - ایرانی) در شهرسازی (نمونه مطالعاتی: حکیمیه و نارمک شهر تهران)»، نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال نهم، شماره ۳۲، صص ۱۱۲-۸۱.
۲۶. موحد، علی؛ شمعی، علی؛ زنگانه، ابوالفضل (۱۳۹۱)، «بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی (مطالعه موردی: شهر ری)»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۲، شماره ۵.
۲۷. نقره‌کار، عبدالحمید؛ علی‌الحسابی، مهران (۱۳۹۶)، «تحقق‌پذیری هویت در معماری و شهرسازی (با تأکید بر ارتقا هویت اسلامی-ایرانی در شهرهای جدید)»، چاپ اول، تهران: فکور.
۲۸. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۰)، «ریشه‌های شهر اسلامی در متون اسلامی»، کتاب ماه هنر، شماره ۱۵۵،

صص ۱۲-۲۶.

29. Battour, M.M. (2017), "Halal tourism and its impact on non-Muslim tourists perception", trip quality and trip value, *International Journal of Culture, Tourism and Hospitality*.
30. Bret .B. (2018), "Spatial Justice and Geographic Scales .the Multiple Faces of Spatial Justice", ISSN: 2105-0392 .
31. Carboni, M., & Janati, M. I. (2016), "Halal tourism de facto: A case from Fez", *Tourism Management Perspectives*, 19, pp. 155-159.
32. Kamyar, M., & Spourezi, Z. (2019), "Representing Iranian-Islamic Identity in Iranian Contemporary Cities Structure", *Journal of Contemporary Urban Affairs*, 3(2), pp. 55-62.
33. Kian, B., Heydari Chiane, R., & Babaei Aghdam, F. (2017), "Halal tourism development in Iran: Prospects and challenges", In *5th Interdisciplinary Tourism Research Conference*, pp.462-467, Cartagena, Spain.
34. Qaddahat, R., Attaalla, F., & Hussein, M.M. (2016), "Halal Tourism: Evaluating Opportunities and Challenges in the Middle East: Jordan and Egypt", *Journal of Faculty of Tourism and Hotels*, 10(2), pp. 377-390.
35. Rawls, J. (1971), *A Theory of Justice*, Cambridge, Massachusetts.
36. Reisinger, Y., Michael, N. & Hayes, J.P. (2018), "Destination competitiveness from a tourist perspective: A case of the United Arab Emirates", *International Journal of Tourism Research*, 21(2), pp. 259-279,

37. Samori, Z., & Sabtub, N. (2014), "Developing Halal Standard for Malaysian Hotel Industry: An Exploratory Study", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 121, pp.144 – 157
38. Shafaei, F., Badaruddin Mohamed. (2015), "Involvement and brand equity: A conceptual model for Muslim tourists", *International Journal of Culture, Tourism and Hospitality Research*, 9(1), pp. 54-67.
39. Van Gruenebaum, G., (1980), "the structure of the Muslim town", In *Islam: essays in the nature and growth of a cultural tradition*, Routledge and Kegan Paul, London.
40. Young, Iris M. (1990), *Justice and the Politics of Difference*, Princeton: Princeton University Press.